



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرکز برای پریالیسم
و سگهای زنجیریش

بها: ۵۰ ریال

شهریور ۶۶ - ۴۶ صفحه

سال دوم شماره ۱۳

جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی و ملزومات تشکیل آن

(قسمت اول)

در جامعه تحت سلطه ایران، جایی که تمام طبقات و اقشار مستحیده در مقابل امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن بعنوان دشمن مشترک خویش صف آرائی کرده و در نابودی این دشمن دارای منافع مشترکی میباشند؛ و در حالی که هیچیک از طبقات و اقشار خلق به تنهایی قادر به پیشبرد امر انقلاب، نابودی دشمن و تامین منافع طبقاتی خویش نیستند؛ مسأله اتحاد تمام نیروهای انقلابی در مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش همواره بعنوان در صفحه ۶

بدون شک یکی از مسائلی که در سالهای حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ایران رشد و گسترش بی اندازه ای یافته و به یکی از معضلات مهم اجتماعی تبدیل گردیده است همانا مسئله اعتیاد به مواد مخدر میباشد. امری که جمهوری اسلامی بحق نمیتواند آنرا بمثابه جزئی از موفقیتهای جنائتکارانه اش در کارنامه سراسر جنایت خود حک نماید. و صد البته همچون همه "موفقیتهای" دیگر این رژیم ددمنش این امر به اعتبار قربانی شدن عده در صفحه ۲



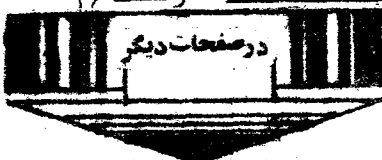
سر مقاله

فاجعه اعتیاد

در جمهوری اسلامی

درباره اعتصاب..... کارگر رزمنده معادن افریقای جنوبی

در صفحه ۴۶



گزیده هایی از رادیو صدای چریکها:

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و توطئه امپریالیستها در تداوم و گسترش آن

میلیتاریزه کردن خلیج فارس به بهانه حفظ امنیت کشتیرانی

«اسلام کرائی» و مارکسیسم به روایت رفسنجانی

صفحه ۳۲

عملیات قهرمانانه پیشمرگان در

منطقه پیرانشهر

صفحه ۱۹

گزارشی از توطئه ننگین جمهوری اسلامی در پاکستان

صفحه ۲۳

شکست در استراتژی "فرار به جلو" در تانکیک

(درباره ارتش آزادیبخش مجاهدین)

(قسمت دوم) صفحه ۱۴

- * گفته ها و نکته ها ۲۸
- * شعر: مهاجر ۲۷
- * طلوع ۲۹
- * مارکسیسم و انقلاب: دهقانان ۳۰
- * اخبار ۳۸
- * روز شمار شهریورماه ۴۵
- * شهدای شهریورماه
- * چریکهای فدائی خلق ۴۵

زنده باد مبارزه سلطانیه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

فاجعه اعتیاد در جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

زیادی از اهالی و بویژه جوانان بدست آمده است. جوانانی که زیر سلطه نظام حاکم بر کشور یعنی نظام سرمایه داری وابسته و سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی در چنگال باندهای قاچاق مواد مخدر و اعتیاد به این مواد در مرز نیستی و نابودی قرار گرفته اند.

بدون شک مسئله اعتیاد به مواد مخدر همچون هر پدیده دیگری در جامعه طبقاتی ما زمینه های اجتماعی خاص خود و بالطبع راه حل های ویژه خود را دارا میباشد.

امر رشد و گسترش روزافزون اعتیاد و قاچاق مواد مخدر که بطور جدائی ناپذیری در هم تنیده اند، البته مسئله های نیست که مورد کتمان سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی قرار داشته باشد، چرا که این امر آنچنان ابعاد وسیعی یافته که قابل لاپوشانی هم نبوده و نیست و برعکس سردمداران مزدور جمهوری اسلامی با برافراشتن پرچم مبارزه با قاچاق مواد

مخدر و اعتیاد میکوشند تا علل واقعی رشد این مسئله را مخفی ساخته و به این وسیله نظام سرمایه داری وابسته و دستهای جنایتکار خود در پخش مواد مخدر در جامعه را لاپوشانی نمایند در حالیکه در پوشش این به اصطلاح مبارزه در واقعیت تضادهای توزیع کنندگان و باندهای بزرگ و کوچک قاچاق مواد مخدر است که حل میگردد.

در نتیجه در بررسی مسئله اعتیاد به مواد مخدر و رشد آن هم باید به زمینه های اجتماعی و فرهنگی این امر پرداخت و هم به نقش جنایتکارانه جمهوری اسلامی در رشد و گسترش آن، تا واقعیت به اصطلاح مبارزه رژیم با قاچاق مواد مخدر نیز هر چه روشن تر گردد. و در همان حال باید در نظر داشت که مسئله قاچاق مواد مخدر و اعتیاد جوانان ویژه جامعه ما نبوده و در کل نظام جهانی امپریالیستی مطرح است چرا که در این نظام، برای بوژوازی زانو صفت که جز سود به هیچ

چیز نمیاندیشد و برای کسب سودهای هرچه بیشتر به هر جنایتی متوسل میشود، داد و ستد مواد مخدر نیز حوزه ای از کار تلقی میشود که به علت سودهای نجومی حاصل از آن، نمیتوان از آن چشم پوشید. بوژوازی زراندوز، کاری به نتایج نابود کننده تولید و توزیع این کالا در جامعه ندارد چرا که آنچه برای او اهمیت تعیین کننده دارد و جهت حرکت سرمایه اش را تعیین میکند همانا رشد روزافزون سرمایه اش میباشد در نتیجه در نظام سرمایه داری مواد مخدر نیز همچون هر کالای دیگری توسط بوژوازی به وسیله ای برای زراندوزی تبدیل میگردد و به همین دلیل هم در شرایط کنونی عامل اصلی تولید و توزیع مواد مخدر را باید در وجود روابط استثمارگرانه سرمایه داری دانست که در عصر امپریالیسم با ایجاد شبکه های توزیع بین المللی میلیونها تن هروئین و تریاک را در سطح جهانی جا به جا کرده و به اعتبار قربانی کردن جوانان

روک بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

روز که میگذشت در بطن رشده فقر و فلاکت و سرکوب وحشیانه مبارزات توده ها و سازمانهای سیاسی و انقلابی، یاس و ناامیدی در بخشی از جوانان غلبه یافته و باعث تشدید گرایش آنها بسوی مواد افیونی گردید موادی که آنها خوش خیالانه میاندیشند که آلام و رنجهایشان را تسکین خواهد داد و شرایط سخت زندگی را برای شان قابل تحمل تر خواهد نمود خیال باطلی که متأسفانه به قیمت قربانی شدن عده زیادی از جوانان این کشور هنوز هم با سنگینی تمام به موجودیت خود ادامه میدهد. رشد بحران اقتصادی و به تبع آن اخراجهای وسیع و انبوه بیکاران که رژیم ددمنش

گسترش یابد و امکانات اشتغال و ایجاد کار هر روز محدودتر گردد بدون شک زمینه برای رشد اعتیاد نیز مهیاتر میگردد در همانحال در هر جامعه ای که فرهنگ انقلابی و مبارزاتی رشد یافته و توده ها با چشم اندازهای روشن مبارزاتی پا به میدان مبارزه بگذارند، مسئله اعتیاد نیز محدود میگردد و خلقهای ما، خود در جریان رشد مبارزات توده ای در سالهای ۵۶ و ۵۷ و در شرایطی که فرهنگ مبارزاتی هر روز گسترش بیشتری مییافت، به عینه دیده اند که مسئله تمایل جوانان بسوی مواد مخدر به حداقل رسیده بود چرا که نیروی زحمتکشان و بویژه جوانان بطور وسیع در مبارزه بر

کشورهای مختلف به بیشرمانه ترین وسیله به انباشت سرمایه خود میپردازند در حالیکه دولتها و سازمانهای اطلاعاتی ایمن بورژوازی امپریالیستی در چهار چوب سیاستهای ضد انقلابی خود با ایجاد امکانات لازم برای رشد و اشاعه اعتیاد، بخشی از نیروی جامعه را که در شرایط بحران نظام جهانی امپریالیستی باید و میتواند در جهت نابودی امپریالیسم، نظام موجود را آماج ضربات مرگبار خود قرار دهد به این وسیله در چنگال اعتیاد اسیر نموده و انرژی انقلابی آنها را به این طریق نابود میسازند. برای نمونه میتوان به نقش CIA (سازمان اطلاعاتی آمریکا) در تولید و توزیع مواد مخدر بویژه در آسیای جنوب شرقی اشاره نمود. حال با توجه به این توضیح مختصر میتوان به زمینه های اجتماعی رشد اعتیاد در ایران و نقش جمهوری اسلامی و سردمداران دزد و فاسد آن در این مسئله پرداخت.

از جمله عواملی که توده ها را به سوی اعتیاد میکشانند، فقر و بیکاری و گسترش فرهنگ یاس و ناامیدی میباشد، چرا که فقر و بیکاری خود زمینه مادی ایجاد چشم اندازهای تیره در زندگی زحمتکشان و در نتیجه رشد این معضل اجتماعی میباشد. در هر جامعه ای که فقر و فلاکت

..... در شرایط کنونی عامل اصلی تولید و توزیع مواد مخدر را باید در وجود روابط ستمگرانه سرمایه داری دانست که در عصر امپریالیسم با ایجاد شبکه های توزیع بین المللی میلیونها تن هروئین و تریاک را در سطح جهانی جابجا کرده و به اعتبار قربانی کردن جوانان کشورهای مختلف به بیشرمانه ترین وسیله به انباشت سرمایه خود میپردازند.

علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه به کار افتاده بود، و چشم اندازهای روشن زندگی و مبارزه گرایش به فرهنگ منحط موجود را تضعیف نموده و توده ها را به سوی مبارزه با این فرهنگ منحط سوق میداد. اما با شکست قیام بهمین و استقرار جمهوری اسلامی هر



شعله‌ورتر سازند.

و به همین دلیل هم هست که مصرف مواد مخدر در جبهه‌های جنگ و صفوف "کفرستیزان اسلام" هر روز فزونی میگیرد سربازانی که نمیخواهند قربانی جنگ ضد انقلابی جمهوری اسلامی گردند و از سوی دیگر ناتوان از برخورد قاطع و فرار از جبهه‌ها و پیوستن به نیروهای انقلابی هستند بیشترین قربانیان اعتیاد در جبهه‌ها را تشکیل میدهند. حال لازم است با نگاهی به آمار و ارقام منتشر شده از سوی خود رژیم به مسئله رشد و گسترش قاچاق مواد مخدر و اعتیاد نگاهی انداخته و روشهای به اصطلاح مبارزه جمهوری اسلامی در این زمینه را مورد

و سرکوب لحام گسیخته هر صدای اعتراضی نمیتوانست باعث گرایش بخشی از مردم و بویژه جوانان بسوی مواد افیونی نگردد امری که خود باعث ایجاد بازاری داغ برای سوداگران مرگ و کسب سودهای میلیونی از سودمداران دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی میگردد.

به این عوامل باید سیاست ارتجاعی رژیم در جنگ امیرالپستی و نتایج آنرا هم افزوده جنگی که توده‌ها به روشنی دریافته‌اند بایست قربانی میدانهای مرگبار آن گردند. جنگی که بر خلاف منافع توده‌ها بوده و آنها هیچ تمایلی به شرکت در آن ندارند

..... خلقهای ما ، خود در جریان رشد مبارزات توده‌های در سالهای ۵۶ و ۵۷ و در شرایطی که فرهنگ مبارزاتی هرروز گسترش بیشتری میافت ، به عینه دیده‌اند که مسأله تمایل جوانان به سوی مواد مخدر به حداقل رسیده بود چرا که تیروی زحمتکشان و بویژه جوانان به طور وسیع در مبارزه بر علیه رژیم وابسته به امیرالپست شاه بکار افتاده بود.

توجه قرار دهیم .

روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۴ خرداد ۶۶ در این زمینه میگوید: "بر اساس آمار موجود در ستاد بازپرسی معتادین زاهدان در ۵ سال قبل از انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان بیش از یک کیلوگرم

و با این همه هر روز بایست جوانان خود را در تب و تاب شکارچیان جمهوری اسلامی ببینند که به زور و اجبار روانه مسلخ‌های این جنگ ویرانگر میگردد تا آتش آنرا که تنها و تنها به نفع امیرالپست‌ها و سگهای زنجیریشان میباشد

هروئین و ۱۸۲ کیلو حشیش ۵۴۳ کیلوگرم تریاک کشف شد . در سال ۱۳۵۴ در زاهدان فقط یک نفر هروئینی وجود داشت . اما تا پایان سال ۶۴ توسط نیروهای انتظامی ۴۴۱۴ کیلوگرم هروئین ۲۶۱۱۰ کیلوگرم تریاک و ۱۰۶۹ کیلوگرم حشیش کشف شده است . اگر در سال ۱۳۵۴ فقط یک هروئینی در زاهدان وجود داشت اما در سایه حکومت منحوس جمهوری اسلامی اوضاع اساساً تغییر کرده و حال در هر شهری صدها و هزاران معتاد به مواد مخدر در فقر نکبت و بی‌آیندگی به سر میبرند نگاهی به کل مواد مخدری که ژاندارمری جمهوری اسلامی از بعد از قیام تا کنون کشف کرده است خود گویای واقعیت فوق میباشد سز هنگ‌گودرزی یکی از فرماندهان ژاندارمری جمهوری اسلامی در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ اردیبهشت ماه میگوید: "بعد از پیروزی انقلاب تاکنون ژاندارمری ۷۴۰۳۲۵۰۴ کیلوگرم تریاک ۳۹۵۱۸۴۱ کیلوگرم هروئین و ۶۵۲۵۸۷ کیلوگرم مرفین و ۱۲۸۳۱۷۸۲ کیلوگرم حشیش کشف کرده ."

آیا همین آمار به روشنی ابعاد وحشتناک رشد قاچاق مواد مخدر و عمق فاجعه‌ای را که جمهوری اسلامی بوجود آورده روشن نمیسازد و نشان نمیدهد که این مزدوران چه شرایط دهشتناکی در

قاچاق و مواد مخدر سخن گفته
وهم "دستهای" اضافی از بازار
این کالای پر سود قطع گردد
وهم دستان جنایتکار خود را در
این مسئله لاپوشانی نماید.

واقعیت این است که تنها
با نابودی سلطه امپریالیسم
و سگ زنجیریش جمهوری اسلامی
است که میتوان با از بین بردن
فقر و فلاکت و ایجاد کار و
اشتغال و رشد فرهنگ انقلابی
گرایش به مصرف مواد افیونی
را نابود ساخت و خلقهای ما
باید در صفوفی فشرده تر و عزمی
راسختر در این راه گام بگذارند
راه نابودی سلطه امپریالیسم
و برقراری جمهوری دمکراتیک
خلق.

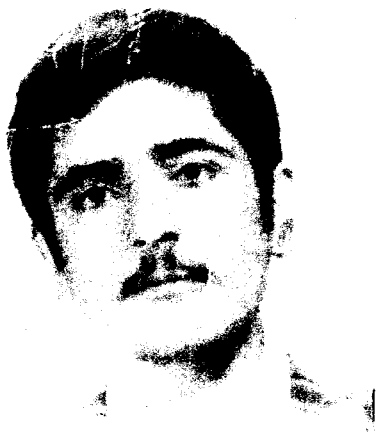
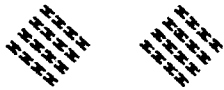
آزاد میشوند" آیا همین سخنان
نشان نمیدهد که آنها که دستشان
در دست سردمداران رژیم است
و یا توانائی دادن رشوه های
کلان را دارند براحتی آزاد و آن
جامعه ایجاد کرده و چگونه
جوانان کشور را دسته دسته
در دام اعتیاد به مواد مخدر
از بین میبرند.

رشد بحران اقتصادی و به تبع آن اخراجهای وسیع
و انبوه بیکاران که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی آنها
را از هرگونه امکان کار و اشتغال محروم ساخته و بدون
هیچ گونه احساس مسئولیتی نسبت به سرنوشت آنها این
نیروی عظیم را در جامعه با تکلیفها نموده است
در شرایط گرانی روزافزون ما محتاج مورد نیاز و سرکوب
لجام گسیخته هر صدای اعتراضی نمیتوانست باعث گرایش
بخشی از مردم و بویژه جوانان به سوی مواد افیونی
نگردد امری که خود باعث ایجاد بازاری داغ برای
سوداگران مرگ و کسب سودهای ملیونی از سوی سردمداران
دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی میگردد.

بدیخت هایی که دستشان به جایی
نمیرسد به زیر تیغ جلادفرستاده
میشوند تا هم رژیم بتواند با
بوق و کرنا از مبارزه بر علیه

جمهوری اسلامی لاف میزنند
که با اعدام و تیرباران
قاچاقچیان مواد مخدر به
مبارزه با این مسئله پرداخته
است اما برآستی چه کسانی
در این میان اعدام میشوند
قاچاقچیان اصلی که در رابطه
تنگاتنگی با سردمداران جمهوری
اسلامی قرار دارند یا عمدتاً
قاچاقچیان بدیختی که خود قربانی
این شرایط دهشتناک هستند؟

مصطفائی قائم مقام
اطلاعاتی عملیات کمیته های انقلاب
اسلامی رژیم در روزنامه جمهوری
اسلامی ۲۰ اردیبهشت میگوید
"ما در گرفتن متهم در کشور
مسئله ای نداریم ولی بارها
اینها را میگیریم و بارها



چریک فدائی خلق
رفیق شهید
بهزاد یوسفی (کاک صمد)

جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی و ملزومات تشکیل آن

(قسمت اول)

از صفحه ۱

امپریالیستی قبل از ایجاد حزب طبقه کارگر ایده‌های انحرافی و پوپولیستی است و گویا چریکهای فدائی خلق با اعلام اینکه حزب طبقه کارگر در شرایط جامعه ما از درون یک جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی نطفه بسته و رشد میکنند، بی اعتقادی خود را بی پرولتاریا و به ضرورت تشکیل او نشان میدهند، اکنون دیگر ظاهراً به ضرورت تقدم جبهه بر "حزب پی برده و خواهان تشکیل آن گردیده‌اند. ما بدون اینکه وارد این بحث شویم که طرح شعار جبهه چه از طرف حزب دمکرات (*) و چه بدنباله روی

در نظر داشته باشند، شعار جبهه واحد را در خدمت پیشبرد مقاصد سیاسی خاص خویش مورد استفاده قرار میدهند. اتفاقاً در جنبش ما آن نیروهای ظاهراً بی‌بیش از دیگران بیاد اتحاد نیروهای مبارز افتاده‌اند که پیش از آن با اقداماتی غیر انقلابی سد راه اتحاد نیروها گشته‌اند. در این زمینه تجربه مجاهدین مارکسیست شده در سال ۵۴ جالب توجه است. همه بیاد دارند که آنها چگونه درست در زمانیکه با اقدامات غیر انقلابی معروف خود ضرباتی به امر اتحاد نیروهای درون خلق وارد آوردند، یا جنجال و هیاهوی تمام از ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی و "جبهه واحد" داد سخن میدادند!

در حال حاضر مدتی است که حزب دموکرات کردستان ایران پرچمدار تشکیل "جبهه" گشته و بدنبال آن بعضی نیروهای مدعی مارکسیسم نیز که پیش از این بهنگام ردیه‌نویسی بر علیه تئوری مبارزه مسلحانه اتفاقاً بارها و بارها با اصطلاح ثابت کرده بودند که ایستاده تشکیل جبهه انقلابی و ضد

ضرورتی مبرم مطرح — بوده و باعث آن شده است که مسأله تشکیل جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی مورد برخورد نیروهای مبارز درون صف خلق قرار گیرد.

ولی در حالیکه الزاماتی عینی، تشکیل جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی را جهت سازماندهی بهتر و وسیع‌تر مبارزه ضروری و اجتناب ناپذیر میسازد و هم از اینرو باید برخورد مسئولانهای نسبت به آن صورت بگیرد. گاه دیده میشود که نیروهای سیاسی چندی بدون اینکه واقعاً ضرورت و اهمیت تشکیل جبهه را درک کرده و با بررسی و ارزیابی دقیق شرایط امکان تشکیل آنرا در مقطع زمانی مشخصی تشخیص داده باشند و یا حتی بدتر بدون اینکه واقعاً در صدد تشکیل جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی باشند، شعار چنین جبهه‌ای را مطرح کرده و خواستار تشکیل آن شده‌اند واضح است که چنین نیروهای قبلی از اینکه هدف اتحاد نیروهای انقلابی و پیشبرد امر انقلاب را در یک جبهه واحد

* - بدون شک امتناع حزب دمکرات از قبول یک آتش بس بی قید و شرط در جنگ فیما بین حزب و کومله با توجه به نقش مخرب این جنگ در امر اتحاد نیروهای خلق، بخوبی بیانگر درجه واقعی بودن طرح تشکیل جبهه دموکراتیک و ضد امپریالیستی از طرف حزب دموکرات است حدیث آن دیگران را هم از این مجمل میتوان خواند!

از او از طرف جریان‌های سیاسی دیگر تا چه حد واقعی و جدی است و چه اهدافی را تعقیب میکنند سعی میکنیم با تشریح نقطه نظرات خود در مورد جنبه دموکراتیک و ضد امپریالیستی و ضرورت حتمی آن برای پیشبرد امر انقلاب، نشان دهیم که نیروهای فوق‌الذکر بواقع خواهان چه نوع جنبه‌ای هستند و چگونه علیرغم تمام ادعاهایشان قادر به تشکیل یک جنبه انقلابی کبسه حقیقتاً تمام نیروهای مبارز را در خدمت پیشبرد امر انقلاب قرار دهند نمی‌باشند.

با گسترش نفوذ امپریالیسم در تمامی شعبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه ما که به ایجاد و قوام سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران انجامیده، نه فقط طبقه کارگر بعنوان دشمن آشتی‌ناپذیر امپریالیسم و هر نوع سیستم سرمایه‌داری در مقابل آن قرار گرفته، بلکه قشرهای وسیع خرده بورژوازی شهر و روستا نیز به مصاف با امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته کشیده شده‌اند. بورژوازی وابسته به عنوان طبقه استثمارگر مسلط بر تولید، در عین حال پایگاه استثمار تمام خلق و غارت منابع طبیعی

کشور از طرف امپریالیسم می‌باشد و هم از اینرو علاوه بر طبقه کارگر، دهقانان و خرده بورژوازی شهری نیز در نابودی این طبقه کبسه مفهوم قطع سلطه امپریالیسم را در میهن ما خواهد داشت. ذینفع‌اند و از آنجا که کبسه نابودی مالکیت خصوصی بطور کلی بلکه خلق ید از بورژوازی وابسته هدف عاجل این مرحله از انقلاب می‌باشد لذا در این مرحله دهقانان و خرده بورژوازی شهری متحد طبقه کارگر محسوب میشوند. این حقیقت وجه دیگری هم دارد.

علیرغم تضاد منافع دهقانان و خرده بورژوازی شهر با امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن و علیرغم فشار دائم التزایدی که از طرف سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود به آنان وارد شده و باعث ذلت و خانه خرابی‌اشان می‌باشد، معذالکنه دهقانان و نه خرده بورژوازی شهری در مبارزه بر علیه بورژوازی وابسته و سیستم موجود قاطع نیستند. آنها بدلیل موقعیت طبقاتی خویش یعنی قرار گرفتن بین بورژوازی و طبقه کارگر دارای موضع دوگانه‌اند و همین موضع و خیال پردازیها و توهمات ناشی از آن، آنها را برای

انحراف از مسیر مبارزه ضد امپریالیستی مستعد ساخته است. از اینرو انرژی ضد امپریالیستی آنان تنها هنگامی تماشا در کانال درست یعنی در جهت قطع سلطه امپریالیسم و نابودی سیستم موجود قرار می‌گیرد که طبقه کارگر آنان را تحت رهبری خود در آورد. در ضمن بلحاظ آنکه خرده بورژوازی (چه دهقان و چه غیر آن) بدلیل شرایط مادی تولید خود نمیتواند یک نیروی مستقل سیاسی را تشکیل دهد. لذا قرار گرفتن دهقانان و خرده بورژوازی شهری ایران تحت رهبری طبقه کارگر، جهت تحقق خواسته‌های طبقاتی خویش امری است الزامی. بنابراین نیاز این طبقات میانی به طبقه کارگر در پیکار بر علیه دشمن اصلی خویش حقیقتی است انکار ناپذیر که از واقعیات عینی و ضرورت‌های انقلاب منتج گردیده است.

ولی در رابطه با طبقه کارگر: این طبقه اگرچه در مبارزه بر علیه بورژوازی وابسته و سیستم سرمایه‌داری موجود قاطع و پی گیر می‌باشد ولی او نیز به نوبه خود برای رسیدن به هدف و تامین منافع خود به کمک اقشار و طبقات دیگر و عمدتاً به یاری دهقانان

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

پیروزی انقلاب که از نقطه نظر پرولتاریائی با توجه به عنصر سوسیالیستی این انقلاب یعنی خلعید از بورژوازی وابسته و تامین همزونی پرولتاریا بر متحدین خویش به مفهوم استقرار دولتی متشکل از تمام اقشار و طبقات شرکت کننده در انقلاب به رهبری طبقه کارگر است، شرایط لازم برای استقرار سوسیالیستی بوجود میاید بدون شک با استقرار یک دولت دموکراتیک به رهبری طبقه کارگر در جامعه (جمهوری دموکراتیک خلق) دموکراسی و شرایط کاملاً آزادی که طبقه کارگر برای تشکیل هر چه بیشتر خود نیازمند آنست ایجاد خواهد شد.

بنابراین در حالیکه بنا به ضرورتهای تاریخی سکان انقلاب جامعه ما بدلیل قاطعیت طبقه کارگر در مبارزه بر علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و به دلیل دموکراتیسم پیگیر و در دست این طبقه میباشود هم اوست که میتواند و باید با رهبری خود انقلاب را به پیروزی رهنمون سازد، ولی در عین حال این هم واقعیتی است که طبقه کارگر بدون یاری دیگر طبقات و اقشار خلق و بخصوص بدون اتکاء به دهقانان نمیتواند به اهداف نهائی این انقلاب ناغل آید.

ضرورت شرایط دموکراتیک که مبارزه طبقاتی هر چه آزادانه تر و آشکارتر در آن جریان یافته و موجب پرورش انقلابی طبقه کارگر، آگاهی و تشکل او گردد، طبقه کارگر الزاماً باید با دیگر اقشار و طبقات تحت ستم امپریالیسم متحد گشته و با اعمال همزونی بر آنان مرحله انقلاب دموکراتیک را به پایان برساند.

..... معذالک نه دهقانان و نه خرده بورژوازی شهری در مبارزه بر علیه بورژوازی وابسته و سیستم موجود قاطع نیستند. آنها به دلیل موقعیت طبقاتی خویش یعنی قرار گرفتن بین بورژوازی و طبقه کارگر دارای موضع دوگانه اند و همین موضع و خیالپردازیها و توهمات ناشی از آن، آنها را برای انحراف از مسیر مبارزه ضد امپریالیستی مستعد ساخته است. از این رو انرژی ضد امپریالیستی آنان تنها هنگامی تماماً در کانال درست یعنی در جهت قطع سلطه امپریالیسم و نابودی سیستم موجود قرار میگیرد که طبقه کارگر آنان را تحت رهبری خود درآورد.

در واقع طبقه کارگر بدون پاسخگوئی به حوائج و نیازهای یک مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی که تمام اقشار و طبقات ذینفع در این مبارزه را در برگرفته و هدفش قطع سلطه امپریالیسم از تمام شعونات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه و استقرار دموکراسی در آن میباشد، قدمی نیز نمیتواند به جلو بردارد. در حالیکه بنا برداشتن همین گام و تامین

و از آنجا که شرایط مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم انجام یکسری وظایف معسوق بورژوازی را - در حالیکه انجام آن وظایف برای ترقی جامعه ضروری میباشد - در مقابل طبقه کارگر مینهد و همچنین بلحاظ ممانعت اختناق ناشی از حاکمیت امپریالیستی - نه عنوان نتیجه ناگزیر سیستم سرمایه داری وابسته از رشد آگاهی و تشکل طبقه کارگر و

در واقع طبقه کارگر بدون پاسخگویی به حواشی و نیازهای یک مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی که تمام اقشار و طبقات ذینفع در این مبارزه را در بر گرفته و هدفش قطع سلطه امپریالیسم از تمام شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه و استقرار دموکراسی در آن میباشد، قدمی نیز نمیتواند به جلو بردارد.

در اینجا دو مساله دیگر قابل طرح و بررسی است. اول شیوه اصلی مبارزه که چه طبقه کارگر و چه طبقات دیگر تنها با توسل به آن قادر به پیشبرد اهداف انقلابی خود میباشند و دیگری مساله تشکل طبقه کارگر که بدون آن امکان رهبری انقلاب توسط پرولتاریا وجود ندارد.

در مورد شیوه اصلی مبارزه، این امر بدیهی است که برای مبارزه علیه دشمن اشکال و شیوههای گوناگونی بکار میرود و هیچوقت مبارزه صرفا به یک شکل محدود نمیگردد ولی این هم مسلم است که در هر جامعه‌ای انقلاب عمدتا با پیشبرد شکل خاصی از مبارزه پیش میرود. در این رابطه مساله برای ما به این صورت مطرح است، مساله اصلی انقلاب کسب قدرت سیاسی است و برای این منظور الزاما باید نیروهای سرکوب دشمن را در هم شکست. در جامعه ما کار در هم شکستن نیروهای سرکوب دشمن یعنی ارتش امپریالیستی و زوایان آن و همچنین از بین بردن نیروهای نظامی امپریالیستی غیر بومی محتمل که بکمک نیروهای سرکوب بومی آمده‌اند، با توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه و وابستگی تمام و کمال آن به امپریالیسم در جریان

یک قیام ناگهانی توده‌ای امکان پذیر نیست. چرا که صرفنظر از تمام دلایل (از جمله میتوان تاثیر وابستگی اقتصادی به امپریالیسم را در تامین انسجام درونی ارتش توضیح داد که چگونه عدم نیاز این ارتش امپریالیستی به تغذیه از تولیدات ملی، باعث آن میگردد که اعتمادات کارگری و اغلال در نظم تولیدات داخلی، تاثیرات چندان زیادی در درون ارتش و در انسجام آن بجای نگذارد. در حالیکه بهم خوردن انسجام درونی ارتش ارتجاع یکی از شرایط لازم برای پیروزی قیام میباشد) یک قیام پیروزمند محتاج سازماندهی نیروهای توده‌ای و به ویژه طبقه کارگر و تامین رهبری پرولتری بر توده‌های سازمان یافته میباشد ولی در جامعه‌ای که حتی مبارزات صنفی توده‌ها در راه میرمترین حواشی زندگی خود باشند مورد سرکوب قرار میگیرد و اساسا تکیه دشمن در مقابله با توده‌های میلیونی توسل به

قهر ضد انقلابی است. در حالیکه شرایط دیکتاتوری بشدت مانع از ایجاد تشکلهای توده‌ای است، تنها با توسل به قهر انقلابی میتوان جریان سیال مبارزه را بر علیه دشمن هرچه رساتر و آشکارتر در جامعه جاری ساخت و شرایط مناسبی برای ایجاد تشکل‌های مبارزاتی بوجود آورد. مبارزه مسلحانه در حالیکه مناسب‌ترین و کاری‌ترین پاسخ به قهر ضد انقلابی دشمن است و باعث آگاهی توده‌ها و ارتقاء روحیه مبارزاتی آنان میگردد، ضمنا زمینه مبارزه همه‌جانبه‌ای را از سوی همه اقشار و طبقات خلق بر علیه دشمن، ایجاد میکند. در بستر این مبارزه است که تشکل‌های مبارزاتی پیا گرفته و رشد میکنند. باین ترتیب انقلاب در جامعه ما روند دیگری جز روند یک قیام ناگهانی توده‌ای در شهرها راطی میکند و اساسا از قانونمندیهای دیگری جز قانونمندیهای پروسه‌ای که باید به قیام توده‌ای منجر

یعنی تشکیلات سیاسی - نظامی قادرند خود را حفظ و به وظایف انقلابی خویش عمل نمایند و ثانیاً بسط و رشد مبارزات طبقه کارگرنها در شرایط اعمال قدرت انقلابی و در جریان یک مبارزه مسلحانه صورت میگیرد. علاوه بر شهرها که مبارزه نظامی با انتخاب هدفهای مشخص

روشنفکران کمونیست با توده های کارگر در جریان مبارزه همه جانبه صنفی و سیاسی ممکن میشود. از اینجا است که کمونیستها وظیفه خطیر تشکیلات سیاسی دادن به طبقه کارگر و ایجاد حزب این طبقه را بعهده دارند. ولی اگر این وظیفه ثابت و تخطی ناپذیر کمونیستها

شود پیروی مینماید. در اینجا امر درهم شکستن ارتش یا ارتشهای ارتجاع تنها در پروسه یک جنگ توده ای و طولانی و آنها با تشکیل یک ارتش خلق صورت میگیرد و ارتش خلق که برای تحقق استراتژیک انقلاب ضرورت حیاتی دارد خود در پروسه مبارزه مسلحانه ساخته میشود. بنابراین مبارزه مسلحانه در جامعه ما چه بخاطر ایجاد فضای مبارزاتی و دامن زدن به مبارزات توده ها و ایجاد امکان شکل برای آنان و چه بلحاظ تحقق استراتژی انقلاب ضرورت حتمی دارد.

مساله چگونگی شکل طبقه کارگر در جامعه تحت سلطه ما را نیز باید در رابطه با مساله فوق مورد توجه قرار داد: مسلماً تشکیلات مهمترین سلاح طبقه کارگر در پیکار اوبر علیه سرمایه داری است تشکیلات صنفی کارگران، طبقه کارگر را در مبارزه برای بهبود شرایط زندگی خویش توانا تر و مبارزه او را پربارتر میسازد و تشکیلات سیاسی به طبقه امکان میدهد که نقش انقلابی خود را در جامعه بنحوی که فعالیت بیشتری ایفا نماید. ولی اگر تشکیلات صنفی طبقه کارگر در جریان مبارزات خود بخودی طبقه میتواند بوجود آید، شکل سیاسی او و ایجاد حزب طبقه از آنجا که مستلزم آگاهی مارکسیستی است، تنها از طریق ارتباط

..... به این ترتیب انقلاب در جامعه ما روند دیگری جز روند یک قیام ناگهانی توده ای در شهرها را طی نمیکند و اساساً از قانونمندیهای دیگری جز قانونمندیهای پروسه ای که باید به قیام توده ای منجر شود پیروی مینماید. در اینجا امر درهم شکستن ارتش یا ارتشهای ارتجاع تنها در پروسه یک جنگ توده ای طولانی و آن هم با تشکیل یک ارتش خلق صورت میگیرد و ارتش خلق که برای تحقق استراتژیک انقلاب ضرورت حیاتی دارد خود در پروسه مبارزه مسلحانه ساخته میشود.

است، چگونگی انجام آن و تشکیل حزب کمونیست را شرایط جامعه مشخص تعیین میکند. در جامعه ما در شرایط دیکتاتوری ناشی از حاکمیت امپریالیستی که از طریق مبارزه صرفاً سیاسی حتی امکان تشکیل خود روشنفکران کمونیست به نحوی که بقای رشد یا بنده آنان تضمین گردد وجود ندارد، در شرایطی که مبارزات خود طبقه نیز تحت چنان شرایطی، از رشد و وسعت کافی برخوردار نیست، اولاً کمونیستها تنها با مبادرت به مبارزه مسلحانه و ایجاد تشکیلات متناسب با این مبارزه

در آنجا میتواند عملی گردد، در واقعیت روستاهای ما عرصه اصلی مبارزه مسلحانه هستند، چرا که حل مساله ارضی بمثابه یکی از عمده ترین مسائل انقلاب دموکراتیک و لزوم تغییر مالکیت زمین از دست خوانین و بوژوازی وابسته به دست دهقانان از همان ابتدا برخورد قهر آمیز دهقانان و نیروهای سرکوب دولت را اجتناب ناپذیر میسازد. از طرف دیگر از آنجا که کمونیستها در این مرحله از انقلاب هدف خود را بسیج همه خلق قرار داده اند شرکت آنها

..... از طرفی شرط پیروزی انقلاب پیروزی مبارزه مسلحانه است و از طرف دیگر این مبارزه که نیروی عمده آن را دهقانان تشکیل میدهند ، بدون رهبری طبقه کارگر به پیروزی نمیرسد ، رهبری مستلزم تشکل است و طبقه کارگر در بطن خود مبارزه مسلحانه و با توجه به شرکت گسترده و فعال کمونیستها در این مبارزه متشکل میشوند .

دیگر این مبارزه که نیروی عمده آنرا دهقانان تشکیل میدهند ، بدون رهبری طبقه کارگر به پیروزی نمیرسد ، رهبری مستلزم تشکل است و طبقه کارگر در بطن خود مبارزه مسلحانه و با توجه به شرکت گسترده و فعال کمونیستها در این مبارزه متشکل میشود .

ادامه دارد

و کمونیستها خواهند توانست بطور هرچه وسیعتری با کارگران ارتباط برقرار نمایند. و با بردن آگاهی مارکسیستی بدرون طبقه آنها را متشکل نمایند. از اینجا میتوان به درجه بهم پیوستگی مساله تشکل طبقه کارگر و امر وحدت کارگران و دهقانان پی برد. از طرفی شرط پیروزی انقلاب پیروزی مبارزه مسلحانه است و از طرف

در این مبارزه ضروری است که این بنوبه خود بیانگر وجهی از اتحاد طبقه کارگر با دهقانان است. در عین حال هدف مبارزه در روستاها آزادی مناطق از دست دشمن و برقراری حاکمیت زحمتکشان میباشد لذا با ایجاد چنین مناطقی در حالیکه برعلیه تمام مرتجعین دیکتاتوری اعمال میشود ، برای نیروهای خلق و از جمله برای طبقه کارگر شرایط دموکراسی بوجود خواهد آمد ، تحت چنین شرایطی است که مبارزات طبقه کارگر چه در مناطق آزاد و چه با توجه به تاثیرات مبارزاتی این مناطق در جاهای دیگر از امکان رشد و گسترش هرچه بیشتری برخوردار گشته



گرامی باد خاطره
شهادت ۱۷ شهریور ۵۷ ،
روز تجلی خونین
مبارزه و مقاومت
قهرمانان توده های
دربند برعلیه
رژیم مزدور شاه!

درباره اعتصاب

از صفحه ۴۶

سرمایه داران نیز با تهدید به اخراج کارگران و تعطیل معادن و اقدام به این روش سرکوبگرانه کوشیده‌اند تا عزم کارگران را برای ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواسته‌هایشان درهم بشکنند.

ولی علی‌رغم همه این تشبثات و علی‌رغم اینکه این اعتصاب، سرانجام در مقابل سرکوب‌دهنده‌منشانه بورژوازی به پیروزی کامل برسد، یا حتی به سازش‌کشیده شده و سرکوب گردد، این اعتصاب یکسری از بزرگترین اعتصاب‌های کارگری در آفریقای جنوبی می‌باشد و به روشنی بیانگر قدرت عظیم اتحاد و یکپارچگی طبقه کارگر بوده و نشان می‌دهد که کارگران اگر متشکل گردند برای رسیدن به خواسته‌های خود از چه قدرت عظیمی برخوردارند.

اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی که از سوی اتحادیه‌های کارگری در این کشور سازمان یافته، تاکنون میلیونها دلار به سرمایه دارانی که در مقابل خواسته‌های برحق کارگران برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مقاومت نموده و از تامسین خواسته‌های کارگران خود داری می‌کردند، ضرر وارد نموده است. معادن طلای آفریقای جنوبی که از بزرگترین منابع طلای جهان می‌باشد و عمدتاً در تملک

شرکتهای انگلیسی و امریکائی قرار دارد اگر سالیانه میلیونها دلار نصیب سرمایه داران زالو صفت می‌سازد، اما برای کارگران جز رنج و مشقت و جز فقر و فلاکت حاصلی نداشته است آنها مجبورند در اعماق زمین و در سخت‌ترین شرایط، نیروی کار ارزان شان را به سرمایه‌داران زر اندوزی که حتی از تامین حداقل امنیت لازم در معادن، ظفره می‌روند و تا کتون صدها معدنچی قربانی این امر گردیده‌اند بفروشند تا بتوانند به زندگی بخور و نمیر خود و خانواده شان تداوم بخشند.

اعتصاب ۳۰۰ هزار کارگر رزمنده معادن در حالیکه قبل از آن حدود ۲۰ هزار نفر از کارکنان پست و مخابرات و ۷ هزار کارگر کارخانه فولاد به اعتصاب برخاسته بودند، بیانگر رشد جنبش اعتصابی طبقه کارگر در آفریقای جنوبی و نشان دهنده رشد بحران در این کشور می‌باشد. بحرانی که حاصل سلطه اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داران زالو صفت بوده و شرایط را برای نابودی کل نظام موجود هرچه بیشتر فراهم می‌سازد.

بورژوازی سرکوبگر آفریقای جنوبی تاکنون در برخورد با اعتصاب معدنچیان مبارز به تشبثات گوناگونی متوسل شده و با تهدید و تطمیع کوشیده در صفوف یکپارچه کارگران تشتت

ایجاد کرده و توانائیهای آنها را برای پیروزی محدود سازد. سرمایه‌داران در حالی که به سرکوب‌گریان متوسل شده و تا کتون عده زیادی از کارگران اعتصابی را کشته و مجروح نموده‌اند و هزاران کارگر را اخراج و هزاران کارگردیگر را تهدید به اخراج نموده‌اند در همانحال اعلام کرده‌اند که برای کارگرانی که اعتصاب را شکسته و بر سر کار باز گردند امکانات بهتر اشتغال ایجاد خواهند نمود. بر این اساس صاحبان معادن طلا و ذغال سنگ در آفریقای جنوبی یکبار دیگر نشان می‌دهند که بورژوازی در مقابله با مبارزه کارگران سلاخی جز سرکوب و فریب و تطمیع در اختیار ندارد که هر دو این سلاحها در مقابل اتحاد یکپارچه کارگران و آگاهی آنها زنگ زده و فاقد کارائی خواهد بود و اگر کارگران متشکل شوند و به آن حد از آگاهی برسند که مارکسیسم-لنینیسم را به مثابه تنها ایدئولوژی طبقه کارگر، راهنمای مبارزات خود قرار دهند، بدون شک توانائی آنها در رسیدن به خواسته‌هایشان و سرانجام نابودی بورژوازی صد چندان میگردد.

جنبش اعتصابی در آفریقای جنوبی، در شرایط خشونت و سرکوب لجام گسیخته و در شرایطی که زندانهای کشور از مخالفین رژیم



تحت ستم این کشور باید با درس‌گیری از تجربیات کارگران کشورهای دیگر، مبارزه خود را بر علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته رشد و گسترش هر چه بیشتری بخشد. چرا که کارگران آگاه ایران میدانند مهمترین و بهترین شیوه اجرای وظایف انترناسیونالیستی شان تشدید مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن در ایران و کوشش در جهت نابودی قطعی این نظام جابرانه میباشد. زیرا زنجیره نظام جهانی امپریالیستی در هر نقطه ای که پاره گردد و امپریالیسم هر قدر بیشتر تضعیف گردد به همان نسبت کارگران سراسر جهان زودتر و سریع‌تر به سوسیالیسم، این تنها راه نجات بشریت از نظام ستمگرانه طبقاتی خواهند رسید.

در رشد خود و با اعمال رهبری طبقه کارگر به مثابه انقلابی‌ترین و پیگیرترین طبقه در انقلاب، می‌رود تا نظام طبقاتی موجود را که بر اساس استثمار وحشیانه کارگران و غارت و چپاول زحمتکشان و ستم ملی بر سیاهان بنا گردیده است را در آتش سوزان خود نیست و نابود سازد. اعتصاب گسترده و عظیم کارگران معادن آفریقای جنوبی چه به پیروزی قطعی برسد و چه سرکوب شده و یا تنها به بعضی از خواسته‌هایش نائل گردد در هر صورت، بیانگر قدرت عظیم کارگران و نقش روز افزون آنها در انقلاب روبه رشد این کشور میباشد و مورد حمایت و پشتیبانی تمامی کارگران ایران قرار دارد. پرولتاریای ایران در چهار چوب وظایف انترناسیونالیستی خود ضمن حمایت و پشتیبانی از مبارزات طبقه کارگر رزمنده آفریقای جنوبی و تمامی توده‌های

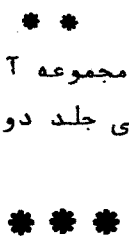
یعنی مبارزین مسلحی که برای رهایی از سلطه انحصارات امپریالیستی سلاح بر کف گرفته‌اند و شرکت کنندگان در تظاهرات و اعتصابات گوناگون و فعالین ضد سیستم نژادپرستی انباشته گردیده است خود به روشنی گواه قدرت توده‌های ستمدیده و عزم راسخ آنها در مبارزه برای نابودی نظام سرمایه‌داری و تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی است.

در شرایطی که به گزارش خبرگزاریهای خارجی تنها در طول یکسال و نیم گذشته بیش از ۳۰ هزار نفر از جمله زنان و کودکان دستگیر و زندانی شده‌اند و در شرایطی که رژیم جنایتکار آفریقای جنوبی به هر وسیله‌ای برای تداوم تسلط جابرانه خود متوسل شده و هر گونه گردهمایی را ممنوع نموده و سانسوری وسیع بر مطبوعات اعمال کرده و پلیس را به اعتبار اعمال شرایط فوق العاده از اختیارات فراوان ویژه‌ای برخوردار ساخته است اوگیری اعتصابات کارگری و بویژه اعتصاب ۳۰۰ هزار معدنچی نه تنها بیانگر شدت بحران موجود در آفریقای جنوبی است بلکه نشانه‌ای از قدرت و اراده طبقه کارگر در مبارزه بر علیه نظام آپارتاید و برای دستیابی به حقوق سیاسی و اقتصادی اش میباشد. مبارزه‌ای که بدون شک

دهقانان

نقش رهبری طبقه کارگر را در این اتحاد تضمین و الغاء طبقات را تسهیل کند، میتواند اتحادی پایدار باشد. گروه بوخارین این امور ساده و واضح را فراموش میکند.

از صفحه ۳۱ قدیمی و سالخورده سرمایه‌داری گرایش دارد. (جلد بیست و چهار صفحه ۳۱۴) این است دلیل آنکه چرا اتحاد با دهقان میانه فقط در صورتیکه بر علیه عناصر سرمایه‌دار و بطور کلی علیه سرمایه‌داری سمت و سو یافته باشد، در صورتیکه



شکست در استراتژی، فرار به جلو در تاکتیک

(قسمت دوم)

نقش جنگ آزادبیش و ارتش آزادبیش در استراتژی

خصوصاً باید به مردم توصیه نمود و رهنمود داد که: "این هدف! حالا بسم الله! هرده تفریبا حتی هر صد نفر، یکی از آنها (پاسداران اختناق) را کنار بزنید، چه رسد به اینکه رابطه، رابطه‌ای "یک به یک" باشد." [جمع‌بندی صفحه ۱۶۴] در نتیجه مجاهدین در خیال پردازای های تاکتیکی خود تصور میکردند که باین وسیله: "آنوقت خواهیم دید که آقایان، یکی یکی تشریف خواهند برد و جرات پاسداری ارتجاع را به خودشان نخواهند داد." به خیال آقای رجوی کار به جایی میرسید که میتوان به مرحله سوم گذر نمود. معیار این گذر از مرحله دوم به مرحله سوم را آقای رجوی چنین تئوریزه مینمود: "وقتی که راندمان عمل رهایی بخش ضد اختناق از یک حدی گذشت، قطعاً (و بدون شک) نقطه‌ای فرا خواهد رسید که رژیم، دیگر قدرت جانشین سازی ندارد و تنزل نرخ جانشین سازی آغاز میشود. آن نقطه، ضمناً نقطه‌ای است که در آن، شکستین طلسم آغاز شده است. آن نقطه آغاز پایان اختناق و درحقیقت پایان رژیم است" [جمع‌بندی یک ساله صفحه ۱۶۱]

پرداختند و برای آن سه مرحله در نظر گرفتند. مرحله اول این استراتژی از ۳۰ خرداد تا تدوین اساسنامه شورا و سه سند مربوط در سال ۶۱ زمان بندی شده بود و از نظر آنها مضمون این مرحله که مدعی بودند آنرا با موفقیت به پایان رسانده‌اند: "بی‌آینده کردن رژیم، سلب ثباتش، تثبیت نظامی سازمان و معرفی و تثبیت آلترناتیو" بود. [جمع‌بندی یکساله صفحه ۱۵۰] و تاکید میکردند که "و ما با موفقیت کامل آنرا پشت سر گذاشتیم" [همانجا صفحه ۱۵۰]

مرحله دوم که در پیی مرحله اول و از سال ۶۱ آغاز شد هدفش شکستن طلسم اختناق بود تا با ایجاد فضا برای به میدان آمدن عنصر اجتماعی، مرحله سوم که همانا قیام مسلحانه شهری تلقی میشد، رخ دهد. اگر در مرحله اول "شاه مهره" های رژیم هدف بودند؛ اما در مرحله دوم "تنه سرکوبگر مد نظراست، یعنی محملهای عینی و حاملین جاندار اختناق." [همانجا ۱۵۷] بنابراین در مرحله دوم میبایست سرانگشتهای رژیم را قطع نمود. و به

مجاهدین بیش از یکسال پس از آغاز مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم خمینی و سپس از آنکه چشم انداز سقوط ضربتی رژیم را از دست دادند ب فکر تدوین استراتژی مبارزه‌ای افتادند که یکسال از آغاز آن میگذشت. بر این اساس در "جمع بندی یکساله مقاومت مسلحانه" از زبان آقای رجوی بالاخره اعلام کردند که به قیام مسلحانه شهری باور دارند و معتقدند که با شکستن طلسم اختناق، با قیام مسلحانه شهری میتوان رژیم را ساقط و قدرت را کسب نمود. قیامی که در ارزیابی مجاهدین در کوتاه مدت روی میداد و به "طبول و تفصیل" های زیادی هم احتیاج نداشت چرا که در "زمان سنجی" استراتژیک مجاهدین کوتاه مدت به مفهوم یک تا سه سال بود و بر همین اساس هم بود که آقای رجوی به خود و یاران شروحه میداد که: "همچنان که سقوط سریع و ضربه‌ای امکان نداشت، سقوط دراز مدت هم با حقیقت تطبیق نمیکند" [جمع‌بندی یکساله صفحه ۱۰۲] بنابراین مجاهدین با اعلام استراتژی خود به مرحله بندی این استراتژی

اما در حقیقت طلسم اختناق نشکست و علی‌رغم همه خیال پردازیهای آقای رجوی وقایع بر اساس این تصورات پیش‌نرفت و در واقعیت روشن شد که مرحله دوم "جواب‌ندارد" و اساساً این مرحله آنقدر طولانی شد که تمامی مراحل استراتژیک آقای رجوی و اساس استراتژی او را زیر سوال برد و او را با مجموعه تخیلاتش در وضع غریبی قرار داد. وضعی که جز یک بن بست کامل هیچ معنای دیگری نمیتوانست داشته باشد. و در همان حال نشان میداد که آقای رجوی همچون هر خرده بورژوازی دیگری نه تنها از استراتژی چیزی نمیفهمد، بلکه اگر دست‌روزرگار به کار و بارش رونقی هم بدهد، کوتاه‌بینی‌های ذاتی طبقه‌اش را به "تاکتیک" اصلی تبدیل کرده و به ستایش از آن میپردازد.

در نتیجه همه انقلابات درونسی و نمایشات بیرونی را بایسد در این چهارچوب مورد بررسی قرار داد و آنها را به مثابه کوششهای غریقی در نظر گرفت که متأسفانه ساحل نجات را نیز به درستی نمیتواند ببیند از قضا آقای رجوی با "حداکثر تهاجم" به چپ‌نشان میدهد که نمیداند و نمیخواهد بداند که چشم‌انداز پیروزی او و ساحل نجات‌کشتی به گل نشسته‌اش درست در آنسوی جهتی است که او

میانیدشد. برای این اساس "جنگ آزادیبخش" و "ارتش آزادیبخش" هم که از آخرین "راه بازکنی"های آقای رجوی است برای پاسخی گوئی به شکست "مرحله دوم" و در نتیجه رفع و رجوع آن ابداع گردید. به خصوص که دست‌روزرگار آقای رجوی را در جوار خاک میهن قرار داد و این امر نمیتوانست مسائل و مشکلات ویژه خود را در بر نداشته باشد.

اما آقای رجوی که در این سالها به خوبی یاد گرفته است که بجای درک اشتباهات خود و درس‌گیری از تجربیاتی که با خون بخشی از رزمندگان جان‌بر کف این خلق در بند بدست آمده است، قضا را چگونه ماست مالی نماید. بار دیگر به صحنه میاید تا با رنگ و روغن زدن به دستگساز استراتژیک و رشکسته خود دوباره بآن جلوه‌ای بخشد، و بدون پذیرش شکست استراتژی خود و مرحله بندیهای مربوطه میگوید: "در این مرحله (منظور مرحله دوم است) ما جنگ آزادیبخش را کم داشتیم" [گفتگو صفحه ۱۲] (*) در نتیجه آقای رجوی که وظیفه‌اش حکم میکند که در تئوری، آنچه که پراتیک بر جریانش تحمیل نموده است را توجیه نماید، بدون آنکه بروی مبارک بیاورد که مرحله دوم قرار بود با قطع

سرانگشت‌های رژیم یعنی همان پاسدارانی که از جمعی اختناق میاورند و تقسیم میکنند به شکستن طلسم اختناق بیانجامد تا قیام مسلحانه شهری رخ داده و رژیم خمینی سرنگون گردد، به این نتیجه میرسد که برای تجزیه نیروی رژیم ضرورت داشت که "دو آتش را در مرزوشهر" (۱) در هم می‌آمیخت. چرا که آقای رجوی "طبق آنچه در این ۵ سال" (۲) فهمیده است [که در عمل نشان میدهد از این همه تجربه که حاصل خون هزاران رزمنده شهید است به واقع هیچ چیز نفهمیده] باین نتیجه رسیده است که در این مرحله جنگ آزادیبخش را کم داشته است و حال میخواهد با تشکیل ارتش آزادیبخش و گسترش جنگ با اصطلاح آزادیبخش‌اش: "در مرزهای جنگی و در شهرها" (۳) مرحله دوم را به پایان برساند. آخر آقای رجوی بعد از ۵ سال به این نتیجه رسیده است که "نبرد آزادیبخش انقلابی تنها کلید بازگشایی شهرها و قیام شهری است" [گفتگو صفحه ۷] و به این ترتیب آقای رجوی باز هم به "تنها کلید" معجزه آسائی دست

(۱) و (۲) و (۳): گفتگو.

* : در این مقاله هر کجا ماخذ گفتگو قید میگردد منظور گفتگو با مسعود رجوی، ماهنامه شورا شماره ۳۲ خرداد ۶۶ میباشد

یافته است که قرار است بن بست استراتژی او را در هم شکنند و البته تنها مدت زمان کوتاهی کافی است، تا باز هم طبق معمول این سالها، مجاهدین در یابند که این کلید سحرآمیز، توانایی گشودن هیچ قفلی را ندارد، تا چه رسد به باز نمودن قفل طلسم اختناق.

اما لازم است در همین جا به نقش مبارزه مسلحانه در شهرها در این مرحله نیز اشاره کنیم چرا که کلید سحرآمیز آقای رجوی یکی از ویژگیهایش کمرنگ کردن نقش این شکل از مبارزه در مرحله دوم استراتژی مجاهدین میباشد. به توضیحات خود مجاهدین در این زمینه توجه کنید: "بر حسب ضرورت و بر حسب توانی که داشته باشیم و بتوانیم مسائل متعدد ارتباطی و یا تدارکاتیش را حل بکنیم در مسیر ارتقای جنگ آزادیبخش، اتفاقا در شهرها دست ما قدم به قدم بازتر خواهد شد" [گفتگو صفحه ۶ تاکید از ماست] پس مسئله اصلی در این مرحله دیگر مبارزه مسلحانه در شهرها برای نابودی پاسداران ارتجاع نیست چرا که مبارزه مسلحانه در شهرها حال در مسیر ارتقای جنگ آزادیبخش میباشد و به همین دلیل هم هست که "قهرمان تاکتیک" ما تاکید میکند که باید: "در تاکتیکها به جنگ

در مرز و آتش مرزی تقدم داد". [گفتگو صفحه ۱۴] بنابراین آقای رجوی بدون اینکه تمایلی به توضیح این تغییرات مهم در مرحله دوم استراتژی خود داشته باشد، مبارزه مسلحانه در شهرها که در استراتژی او نقش تعیین کننده ایفا مینمود را کنار گذاشته و این نقش را به "جنگ آزادیبخش" منتقل مینماید و جنگ چریک شهری را تنها در مسیر ارتقای جنگ آزادیبخش جایز

مرحله دوم استراتژی خود را اعلام میکند و برای سروسامان دادن به دستگاه شکست خورده استراتژیک اش "جنگ آزادیبخش" در "مرزهای جنگی" و "ارتش آزادیبخش" را علم میکند. اما باید از مجاهدین سوال نمود: چرا در مرزهای جنگی؟ و در جاهای دیگر نه؟ چرا باید سازمانی که این همه امکانات در اختیار دارد نیروی خود را در جبهه های جنگ امپریالیستی ایران و عراق مشغول سازد و زیر پوشش شعار

در نتیجه آقای رجوی بدون اینکه به روی خود بیاورد شکست مرحله دوم استراتژی خود را اعلام میکند و برای سروسامان دادن به دستگاه شکست خورده استراتژیک اش "جنگ آزادیبخش" در "مرزهای جنگی" و "ارتش آزادیبخش" را علم میکند. اما باید از مجاهدین سوال نمود: چرا در مرزهای جنگی؟ و در جاهای دیگر نه؟

شمرده و از این هم فراتر رفته و با اعلام اینکه "دستور محوری" روز خروج از کشور و پیوستن به صفوف ارتش آزادیبخش میباشد، عملا نقش جنگ در "مرزهای جنگی" را در مرحله بندی استراتژیک خود با برجستگی هر چه بیشتری آشکار میسازد چرا که بر اساس این رهنمود آن نیروهای که قرار بود در شهرها سرانگشتان رژیم را قطع نمایند برای تقویت صفوف ارتش آزادی بخش از شهرها خارج میگردند. در نتیجه آقای رجوی بدون اینکه به روی خود بیاورد شکست

صلح عملا در جبهه های این جنگ امپریالیستی شرکت نماید. چرا نمیتوان و نباید این نیرو را در کردستان و مناطق دیگر و برای پیشبرد یک جنگ واقعا انقلابی سازمان داد؟ آیا مجاهدین میدانند که بین مبارزه مسلحانه انقلابی بر علیه رژیم مزدور خمینی و در نتیجه تاثیرات این مبارزه بر جامعه با جنگ در مرزهای جنگی و تاثیراتش بر جامعه تفاوت کیفی عظیمی وجود دارد؟ مجاهدین باید بدانند که



دور ساخته و در بن بست بیس عمیق تری قرار خواهد داد.

اگر آقای رجوی میپذیرد که:

"در آخرین تحلیل اسلحه ها نیستند

که با هم حرف میزنند، اگر چه

سلاحها به هم شلیک میکنند و در

آخرین تحلیل انسانهایی

هستند که در مقابل هم صف

کشیده اند" [نشریه انجمن شماره

۹۸] پس باید بیندیشد که با

چنین اهداف و تاکتیکهایی در

کدام صف قرار گرفته است و آیا

میتوان میدانهای جنگ امپریالیستی

را با صف انقلاب ضد امپریالیستی

دمکراتیک خلقهای ایران یکسان

گرفت؟ اگر این درست است که

در میدانهای جنگ ایران و عراق

سلاحها با آتش هر چه پر حجم تری

به سوی هم شلیک میکنند، ولی

واقعیت این است که انسانهایی

که در آنجا در مقابل هم صف

کشیده اند نه بیانگر صف بندی

انقلاب و ضد انقلاب بلکه شاندهنده

دو طرف متخاصم جنگی میباشند که

در جهت منافع امپریالیستها

سازمان یافته است.

پس اگر جنگ در "مرزهای

جنگی" فاقد آن تاثیرات اجتماعی

بر روی توده هاست و نمیتواند

مورد پشتیبانی آنها قرار گیرد از

لحاظ تاکتیکی "هم نتایج مورد

نظر مجاهدین را در بر ندارد

چرا که آنها تصور میکنند با

گسترش آتش مرزی خود سلطه رژیمی

که "دستش تهی" است را "متزلزل"

میسازند و بقول خودشان: "آسودگی

در نتیجه مسئله آنها نه شرکت

در چنین جنگی بلکه پیشبرد جنگ

انقلابی خودشان بر علیه دولت

خودی است. و در شرایط ما که

چنین جنگی (جنگ داخلی) در

جامعه جریان دارد وظیفه

نیروهای انقلابی رشد و گسترش

این جنگ و ایجاد مناطقی آزاد

شده از سلطه رژیم مزدور خمینی

برای بسط هر چه بیشتر انقلاب

است، و نه عملاً شرکت در

میدانهای این جنگ ارتجاعی.

بنابراین مجاهدین اگر

به واقع پای بند شعار صلح

هستند، حق شرکت در جنگ

امپریالیستی را نداشته و

ندارند و اگر چنین نکنند باید

اولاً نیروئی که از صلح دم میزند

یعنی مخالف جنگ غیر عادلانه

کنونی است پس حق شرکت در این

جنگ غیر عادلانه را ندارد جنگی

که تماماً به ضرر خلقهای دو

کشور میباشد و در ضمن مجاهدین

حداقل باید این تجربه را کسب

کرده باشند که اگر در ابتدای

جنگ امپریالیستی ایران و عراق

فریب تبلیغات خمینی را خورده و

بجای مخالفت با این جنگ به

نفع رژیم خمینی در آن شرکت

کردند، بار دیگر و این بار با

توجیهات ابلهانه دیگری

نیروهایشان را قربانی میدانهای

این جنگ امپریالیستی نکنند.

زمانیکه بین دولتهای بورژوازی جنگی در میگیرد که

به ضرر خلقهای دو کشور است وظیفه انقلابیون این نیست که در

چنین جنگی شرکت نمایند بلکه آنها باید این جنگ را به جنگ

داخلی تبدیل نموده و سلاحها را بسوی دولت خودی برگردانند. در

نتیجه مسئله آنها نه شرکت در چنین جنگی بلکه پیشبرد جنگ

انقلابی خودشان بر علیه دولت خودی است. و در شرایط ما که

چنین جنگی (جنگ داخلی) در جامعه جریان دارد وظیفه نیروهای

انقلابی رشد و گسترش این جنگ و ایجاد مناطقی آزاد شده

از سلطه رژیم مزدور خمینی برای بسط هر چه بیشتر انقلاب است.

بدانند که نقش و تاثیر آتش

مرزی آنها به هیچوجه آن نقش

و تاثیر را که مبارزه مسلحانه

قبلیشان در جامعه داشت را

نداشته و نخواهد داشت و نه

تنها "کلید بازگشایی" شهرها

و قیام شهری خواهد بود، بلکه

هر چه بیشتر آنها را از انقلاب

زمانیکه بین دولتهای

بورژوازی جنگی در میگیرد که

به ضرر خلقهای دو کشور است

وظیفه انقلابیون این نیست که

در چنین جنگی شرکت نمایند

بلکه آنها باید این جنگ را به

جنگ داخلی تبدیل نموده و سلاحها

را بسوی دولت خودی برگردانند.

صاحب نظر در مسائل انقلابی

پیام فدائی

سال دوم

شماره ۱۳ - شهریور ۶۶

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شکست این خیال پردازیهها از پیش محرز است. آیا در این ۵ سال مجاهدین در نیافته اند که این تصور: "این هدف حالایسم الله! هر ده نفری احتی هر صد نفر" یک پاسدار را

الزما "توان رژیم" قطعاً حدّ دارد" این امر در پروسه اش سرانجام به "بازشدن سرکلاف" می انجامد (**) باید بدانند که در ذهن خیال پرداز آنها اگر بشود مسائل مبارزاتی را چنین در کنار

خیالش را در سرا سر این مرزها از بین میبریم، روحیه اش را تضعیف میکنیم، نیروهایش را تجزیه میکنیم، تمامیت توانش را تضعیف میکنیم [گفتگو] با سررزمی ما در شماره ۳۳ ژرار ۶۶ صفحه ۵

در نتیجه اگر مجاهدین فکر میکنند با گسترش آتش مرزی، به نیروهای رژیم ضربات سنگینی زده و از آنجا که رژیم "دستش تهی" است و "الی غیر النهایه" نمیتواند "نیرو بسیج کند" و "چون الزما" توان رژیم قطعاً خد دارد" این امر در پروسه اش سر انجام به "بازشدن سر کلاف" میانجامد. باید بدانند که در ذهن خیال پرداز آنها اگر بشود مسائل مبارزاتی را چنین در کنار هم قرار داد. ولی در واقعیت زنده مسائل چنین پیش نمیروند همانطور که تجربه "این ۵ سال" نادرستی خیال پردازیههای مرحله دوم استراتژی آنها را به اثبات رساند.

شمردیم اگر صرفاً از لحاظ "تاکتیکی" بخواهیم به بررسی این "آتش مرزی" بپردازیم باید به مجاهدین بگوئیم که اتفاقاً این تاکتیک با قد چنین ابعادی از تاثیر گذاری است چرا که در جبهه های جنگی که ۷ سال از آن میگذرد، آسودگی خیالی وجود ندارد، که با قدرت آتش مجاهدین به هم بخورد. بدون اینکه قصد انکار تاثیرات مشخصی که این عملیات [صرفاً از لحاظ نظامی] در بردارد را داشته باشیم، ولی باید تاکید کنیم که در جنگی چنین طولانی و با چنین ابعادی از آتش و استفاده از آخرین سلاحهای مرگبار امپریالیستی، تصور اینکه با قدرت آتش مجاهدین "آسودگی خیال" جمهوری اسلامی آنها در جبهه های جنگ به هم بخورد و نیروهایش را تجزیه نماید، تصویری ابلهانه است.

بکشید/چقدر ذهنی و خیالی بوده است؟ پس بهتر است که آقای رجوی بجای رجز خوانی هائی از این قبیل که: "رژیم، خودش چنین جنگی را به ما پیشنهاد کرده در صفحه ۲۷

هم قرار داد، ولی در واقعیت زنده مسائل چنین پیش نمیروند و همانطور که تجربه "این ۵ سال" نادرستی خیال پردازیههای مرحله دوم استراتژی آنها را به اثبات رساند بر اساس همین تجربیات

آن نقطه، ضمناً نقطه ای است که در آن، شکستن طلسم آغاز میشود. آن نقطه، نقطه آغاز پایان اختناق و در حقیقت پایان رژیم است! و حال همان حرفها که واقعیت مبارزه نادرستی شان را ثابت نموده است را به شکل دیگری بیان میکند و نشان میدهد که در واقع در این ۵ سال چقدر در فهم واقعیتها ناتوان بوده است.

* - این تصورات را مقایسه کنید با خیالات آقای رجوی در سال ۶۱ که به خودش روحیه میداد و با درک مکانیکی اش خیال پردازیههای خود را چنین بیان مینمود: "وقتی که راندمان عمل رها نبخش، ضد اختناق از یک حدی گذشت، قطعاً (و بدون شک) نقطه ای فرا خواهد رسید که رژیم، دیگر قدرت جانشین سازی ندارد و تنزل نرخ جانشین سازی، آغاز میشود.

در نتیجه اگر مجاهدین فکر میکنند با گسترش آتش مرزی، به نیروهای رژیم ضربات سنگینی زده و از آنجا که رژیم "دستش تهی" است و "الی غیر النهایه" نمیتواند "نیرو بسیج کند" و چون



تعرض

قهرمانانه پیشمرگان چریکهای فدائی خلق به پایگاه "چه کو" در منطقه پیرانشهر

خلقهای قهرمان ایران!

در تاریخ ۶۶/۶/۱۴ یکدسته از پیشمرگان چریکهای فدائی خلق ایران به همراهی دسته‌ای از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پس از شناساییهای لازم خود را به اطراف پایگاه ژاندارمری ضد خلقی دشمن بنام "چه کو" واقع در محور اصلی سردشت - پیرانشهر رسانده و با استفاده از تاریکی شب تا نزدیکی سیم‌های خاردار پایگاه پیشروی کردند.

در ساعت ۹ شب یکدسته از پیشمرگان با شلیک موشک **R.P.G.7** از کنار سیمهای خاردار در چند متری پایگاه، موتورخانه پایگاه را هدف قرار دادند و دسته دیگری از پیشمرگان نیز در همین زمان با استفاده از تفنگ قناسه و رگبار بی‌امان سلاحهای سبک خود آتش همه جانبه‌ای را از فاصله بسیار کم بر روی تاسیسات و سنگرها و نفرات دشمن متمرکز کرده و با تعرض غافلگیرانه خود قدرت هر گونه واکنشی را از مزدوران دشمن سلب نمودند. پس از دقایقی دشمن ضد خلقی که بر اثر یورش جسورانه پیشمرگان قدرت عکس العمل را از دست داده بود با استفاده از سلاحهای سبک و نیمه سنگین خود از جمله تیربار قناسه و **R.P.G.7** و تفنگ نارنجک‌انداز به مقابله با پیشمرگان پرداخت. پیشمرگان نیز بلافاصله با آرایش جدید خود بار دیگر پایگاه مزدوران را مورد آتشباری سنگین خود قرار دادند. در این عملیات که مجموعاً نیم ساعت بطول انجامید تلفات و خساراتی به پایگاه ژاندارمری "چه کو" وارد آمد که از میزان آن هنوز اطلاع دقیقی کسب نگردیده است. لازم به توضیح است که در طول عملیات فوق چاشخانه "چه کو" نیز از ضربات پیشمرگان شدیداً به وحشت افتاده و تمامی منطقه اطراف خود را با استفاده از سلاحهای سبک و نیمه سنگین مورد آتشباری بی هدف قرار داد، که به پیشمرگان آسیبی وارد نگردید و پیشمرگان همگی سالم منطقه عملیات را ترک نمودند.

خلقهای مبارز!

پایگاه "چه کو" که در عملیات فوق مورد تعرض قهرمانانه پیشمرگان قرار گرفت از جمله مراکز سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در کردستان است که در جهت اعمال حاکمیت سیاه این رژیم مزدور وظیفه سرکوب ددمشانه خلق ستمدیده کرد را بر عهده دارد.

جمهوری اسلامی با گسیل هزاران مزدور به کردستان و استقرار صدها پایگاه و باتوسل به وحشیانه‌ترین روشها میکوشد تا سلطه منحوس خود را در کردستان نیز کامل نماید. اما ضربات بی‌وقفه پیشمرگان خلق کرد به نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در کردستان، آرامش را از این مزدوران سلب کرده و آرزوی دشمن را در تبدیل کردستان به محیطی امن برای چپاول و غارت هر چه سهل تر خلق کرد با شکست مواجه ساخته است.

تداوم ۸ ساله جنبش خلق کرد بمثابه یکی از دستاوردهای مهم قیام بهمن به اعتبار مبارزه مسلحانه پیشمرگان قهرمان خلق کرد بار دیگر به روشنی نشان میدهد که در شرایط اختناق دیکتاتوری امپریالیستی که خلقهای ستمدیده ما از طریق مسالمت‌آمیز امکان شکل ندارند، جریان انقلاب، پروسه‌ای است طولانی که از همان آغاز با توسل به قهر انقلابی در مقابل قهر ضدانقلابی به پیش میرود. و خیالپردازی در این رابطه که در شرایط دیکتاتوری شدیداً وسیعاً قهر آمیز، توده‌ها در جریان مبارزات مسالمت‌آمیز به آنچنان تشکلی دست یابند که با توسل به قیام، ماشین سرکوب رژیم و نظام سرمایه‌داری وابسته را نابود سازند، نتیجه محتومی جز شکست در بر ندارد. و اگر شکست قیام بهمن تأییدی بر این امر بود، تداوم ۸ ساله جنبش مسلحانه خلق کرد نیز بار دیگر به روشنی نشان داد که برای رسیدن به آزادی یعنی قطع سلطه امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته جز توسل به جنگی توده‌ای و طولانی که بتدریج ماشین دولتی را تخریب نموده و به توده‌های ستمدیده و در راس آنها کارگران توانائی کسب قدرت سیاسی را میدهد راهی وجود ندارد راهی که به پشتوانه خون پیشمرگان دلیر خلق کرد بار دیگر به اثبات رسیده است و این تنها راه رسیدن به جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر میباشد.

- ! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
- ! برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران!
- ! زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست!
- ! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان

۶۶/۶/۲۲



درهم شکستن کمین دشمن ضد خلقی در منطقه پیرانشهر

خلقهای قهرمان ایران!

اخیرا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای ضد خلقی اش برای حفظ و حراست از مراکز سرکوب و راههای تردد خود و در هراس و وحشت از ضربات بی امان پیشمرگان، نیروی بسیار زیادی را در امتداد جاده اصلی سردشت - پیرانشهر مستقر نموده است.

در همین رابطه نیروهای دشمن ضد خلقی مرکب از گروههای ضربت پاسداران و حاشهای خود فروخته بوکان، سقز، اشنویه و ... در اواسط شهریور ماه ۱۵ سال لشکر کشی وسیعی را به روستاهای "ترکش"، "بیکوس"، "ئاوخوانده"، "کوپهر" و ... در اطراف جاده اصلی سازمان داده و با کنترل رفت و آمد اهالی به آزار و اذیت روستائیان زحمتکش این منطقه پرداخت.

در نتیجه زمانی که در ساعت ۸/۱۵ دقیقه بعد از ظهر روز ۱۶ شهریور ماه یکدسته از پیشمرگان چریکهای فدائی خلق به همراهی دسته‌ای از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بخاطر انجام یک مأموریت قصد ورود به روستای "ئاوخوانده" را داشتند با کمین گسترده گروه ضربت دشمن مواجه شده و مزدوران رژیم در همان لحظات اول درگیری، از نقاط مختلف روستا و از جمله از روی پشت‌بام خانه‌ها و از فاصله چند متری بر روی پیشمرگان آتش گشودند.

پیشمرگان نیز سریعاً موضع گرفته و با جسارت تمام ابتکار عمل را در دست گرفتند و آتشباری متقابل خود، نه تنها آتش دشمن را خاموش کردند بلکه مزدوران روحیه باخته و وحشزده را نیز تماماً از روستا بطرف پایگاه رژیم فراری دادند. دشمن ضد خلقی در حالیکه دوباره خود را تجدید آرایش داده بود، به قصد محاصره پیشمرگان بار دیگر حمله مجددی را بطرف مواضع آنها سازمان داد و این بار با استفاده از **R.P.G.7** و خمپاره ۶۰ میلیمتری و تیربار قناسه و انواع سلاحهای سبک بطرف پیشمرگان هجوم آورد. اما پیشمرگان یکبار دیگر با مقاومت دلیرانه خود این حمله را متوقف کرده و با آتشباری سلاحهای خود، از فاصله بسیار نزدیک و در یک رویارویی سنگر به سنگر، با پرتاب نارنجک دستی و رگبار مسلسل‌های خود بار دیگر یورش مزدوران را در هم شکسته و دشمن ضد خلقی را در انجام مقاصد خود ناکام گذاردند. در این درگیری قهرمانانه که مجموعاً ۴۵ دقیقه بطول انجامید حداقل ۳ تن از مزدوران زخمی شدند.

دشمن شکست خورده در همان شب، زخمی های خود را با سرعت به روستای "کوپهر" انتقال داد که بر طبق آخرین اخبار دریافتی یکی از مجروحین که از معاونین عملیاتی سپاه ارومیه بود چند ساعت بعد از درگیری به سزای جنایات خود رسیده و بهلاکت رسید. در جریان این درگیری به پیشمرگان هیچگونه آسیبی وارد نشد و همگی سالم به نقاط از قبل تعیین شده باز گشتند.

دشمن زیون بر اساس سیاستهای ارتجاعی اش روز بعد از درگیری برای لاپوشانی شکست خود از پیشمرگان، به کنترل هرچه بیشتر رفت و آمد اهالی و آزار و آذیت زحمتکشان بیدفاع روستا پرداخت و به این ترتیب بار دیگر ضعف و درماندگی خود را به نمایش گذاشت. خلقهای مبارز!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بیش از ۸ سال است که در جهت سرکوب خلق کرد و جنبش حق طلبانه اش از هیچ جنایتی دریغ نورزیده و به هر وسیله ای برای نابودی این جنبش متوسل گردیده است. برای نمونه جاش سازی از جمله وساطلی است که این رژیم ددمنش برای پیشبرد سیاستهای ضد خلقی خود در کردستان به آن توسل جسته است. جاشها عناصر خود فروخته ای هستند که بخاطر استفاده از تکه نانی که جمهوری اسلامی بسوی آنها پرت میکند به خلق خود پشت کرده و سلاح جنایت برگرفته و بر روی خواهان و برادران خود آتش میکشایند. این مزدوران چه با ایجاد گروههای ضربت و چه در نقش راهنمای گروههای ضربت رژیم در جهت محاصره و سرکوب پیشمرگان خلق کرد و آذیت و آزار توده ها حرکت نموده و با اینکه در این سالها جنبش خلق کرد با قدرت آتش پیشمرگان دلیرش بارهای بار آنها را به سزای اعمال جنایت کارانه شان رسانده است و خلق کرد به اشکال گوناگون نفرت و انزجار خود را نسبت به این خود فروختگان ابراز داشته است، اما آنها همچنان به سلاح خیانت چسبیده و بخاطر تکه نانی همه چیز خود را بفروش میرسانند. این خود فروختگان باید بدانند که هر آنکس در صفوف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در مقابل مبارزه بر حق خلق کرد برای رسیدن به آزادی بایستد سرتوشتی جز مسرگ در انتظارش نمیباشد و در نتیجه بهتر است که هرچه زودتر سلاح خیانت را به زمین گذاشته و اگر نمیتواند به صفوف جنبش خلق کرد پیوندد حداقل با ترک صفوف نیروهای جمهوری اسلامی زندگی شرافتمندانه ای برای خود ایجاد نمایند. جاشها باید بدانند که هیچ مرگی ننگین تر از مرگ در جهت منافع جمهوری اسلامی و بوسیله آتش پیشمرگان قهرمان خلق کرد نمیباشد و از آنجا که خلق رزمنده کرد در این سالها نشان داده است که با دشمنانش در هر لباسی که باشند جز با گلوله سخن نمیگوید پس مصلحت آنهاست که هرچه زودتر صفوف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را ترک نمایند.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیده به آزادیست
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان

گزارشی از توطئه ننگین جمهوری اسلامی در پاکستان

عمومی مردم پاکستان و کشورهای دیگر پناهندگان ایرانی و مجاهدین و فعالین مخالف رژیم در پاکستان را تروریست معرفی نموده و باین وسیله هم جنایت بیسابقه خویش را لاپوشانی نمایند و هم دست دولت پاکستان در سرکوب نیروهای مبارز و ایرانیان پناهنده و تحویل آنان به دولت ایران را باز بگذارند. که البته این نقشه آنان نیز چندان عملی نگردید. چون چند ساعت پس از وقوع حادثه انبوه خبرنگاران و عکاسان از روزنامه‌های مختلف کراچی و خبرگزاریهای خارجی به محل واقعه رفته و با همسایه‌ها و شهروندان پاکستانی بیطرفی که ناظر و شاهد این درگیریها بودند مصاحبه نمودند که نتیجه تمامی اظهارات شاهدان عینی این بود که این سلاحها توسط مهاجمین و در جریان حمله آنها در خانه‌ها جا گذاشته شده است و این گزارشات همان روز در صفحه نخست تمامی روزنامه‌های کراچی درج گردید و باین طریق این توطئه هم عقیم ماند.

تمامی شواهد دال بر آن

آنها قصد شان کشتار و نابودی کامل مجاهدین خلق و سایر فعالین نیروهای سیاسی بوده و بر اساس نقشه‌ای که قصد پیاده کردنش را داشته‌اند، با توجه به تعداد زیادشان و نوع و ترکیب سلاحهای بکار برده شده توسط آنها، حداقل میبایستی عده زیادی را میکشند که البته نقشه کثیفشان بدائلی عقیم ماند و باشکست مواجه گردید، و تعداد کشته‌ها بسیار بسیار پائین تر از آن بود که تصورش را میکردند.

از مزدوران رژیم ۱۷ قبضه آرپی‌جی ۷ چند قبضه بازوکا ۷ قبضه کلاشینکوف، چندین قبضه مسلسل یوزی، تعدادی کلت و مقدار زیادی نارنجک و بمبهای دستی و بمبهای آتشزا و مقادیر زیادی فشنگهای مختلف و موشک آرپی‌جی ۷ بجای مانده است. بخشی از این سلاحها را مزدوران در خانه‌هایی که مورد حمله قرار داده بودند جا گذاشتند و بخش دیگری از آنها در کوچه‌ها و خیابانهای اطراف محل درگیری جمع آوری گردیده است.

یکی از مقاصد مهاجمین درجا نهادن این سلاحدارخانه‌های فوق‌العاده بود که در افکار

در ۸ جولای (۱۷ تیرماه) حمله کاملاً سازمان یافته و گسترده‌ای از جانب مزدوران رژیم وابسته با مپریالیسم جمهوری اسلامی با انواع سلاحهای سبک و نیمه سنگین به ۱۲ خانه محل اقامت مجاهدین خلق در دو شهر پاکستان یعنی کراچی و کوئته صورت گرفت که طی آن ۴ تن کشته و تعداد زیادی زخمی گردیدند.

این حمله در ساعت ۴/۳۰ دقیقه با مداد روز چهارشنبه و همزمان در دو شهر کراچی و کوئته که فاصله زیادی از هم دارند انجام گردید که نشان میداد مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از مدت‌ها قبل مشغول تعقیب و شناسایی هواداران و فعالین مجاهدین در پاکستان بوده‌اند. تعداد حمله کنندگان حداقل ۱۰۰ نفر بوده، که تعدادی از آنها از مزدوران کمیته‌های ضد خلقی تهران میباشند که تخصصشان حمله و هجوم به خانه‌های تیمسی نیروهای انقلابی در ایران بوده و در این زمینه از تجربه زیادی برخوردارند.

بر اساس اعتراف یکی از مزدوران دستگیر شده رژیم،



قصد فرار به داخل خاک ایران را داشتند.

مزدورانی که در کویته دستگیر شده‌اند اعتراف کرده‌اند که: هدف ما نابودی همه مجاهدین و فعالین سیاسی نیروهای انقلابی بوده است. و ما به قصد کشتار صدها تن آمده بودیم ولی عملیاتمان ناموفق ماند. در پی این حادثه پلیس مزدور پاکستان ۴۰ نفر از ایرانیان را دستگیر نمود و از آن پس به تمامی خانه‌های محل اقامت ایرانیان ریخته و دست به تفتیش و تجسس زده و جمع زیادی را دستگیر نموده و به قصد بازجوئی به ادارات پلیس برده است تا به زعم خود مسیبن این حادثه را دستگیر نماید. البته دستگیر شدگان را پس از شناسایی و بازجوئی بتدریج آزاد میکنند.

واقعیت این است که در این حمله خانه‌های محل اقامت مجاهدین مورد تعرض قرار گرفته است و آنهم نه خانه‌های علنی هوادارانی که فعالیت‌های علنی داشته‌اند و سخت‌ترین حملات در شهری چون کویته صورت گرفته که به علت آنکه محل مناسبی برای زندگی پناهندگان نیست عمدتاً پناهندگان ایرانی در این شهر زندگی نمیکنند در حالیکه ۷ خانه در این شهر مورد حمله قرار گرفته است.

قبل از واقعه ۸ جولای، خانه

ممکن است که اینان حتی به یک گشتی پلیس پاکستان برخورد نکرده باشند؟

از ۱۲ خانه‌ای که مورد حمله قرار گرفته ۵ دستگاه آنان در کراچی بود و ۷ دستگاه دیگر نیز در شهر کویته که شدت حمله و خسارات وارده در کویته بالاتر از کراچی بوده است. با توجه باینکه حمله در ساعت ۴/۵ صبح که شهر یکسره در آرامش و خاموشی است رخ داد و در مواردی تا نزدیکهای ساعت ۵ بطول انجامید. صدای مهیب ناشی از شلیک سلاحهای نیمه سنگین آنهم در محلات مرفه نشین شهر موجب هراس و وحشت تمامی اهالی کراچی بویژه آنهایی که به محلات وقوع حادثه نزدیکتر بودند شد و خیلی از اهالی این مناطق فکر میکردند که احتمالاً جنگی رخ داده است.

از ۴ نفری که جان خود را بر اثر این حمله جنایتکارانه از دست داده‌اند ۳ نفرشان از مجاهدین و یک نفر هم شهروند پاکستانی بود. البته عمده زبانی زخمی شده‌اند و مجروحین که عمدتاً ایرانی هستند در بیمارستان شهرهای کراچی و کویته بستری میشوند.

در کویته بر خلاف کراچی پلیس زودتر دست به عمل زد و تعدادی از مهاجمین را دستگیر نمود و تعدادی از آنها را نیز نزدیکیهای مرز ایران و پاکستان دستگیر کرد که مسلح بوده و

است که این هجوم سازمان یافته و گسترده وحشیانه بسودن حمایت‌های قبلی دولت مزدور پاکستان اساساً نمیتوانست صورت بگیرد چرا که در بعضی از موارد درگیریها حدود ۳۰ دقیقه طول کشیده است و معذالک پلیس پاکستان خیلی دیر به محلات وقوع درگیری رسیده است.

در کراچی خانه‌هایی که مورد حمله قرار گرفته‌اند در بهترین و بالاترین نقاط شهر میباشند، مناطقی که خانه‌ها کرایه شده بود محل زندگی سفرا و دیپلماتهای کشورهای خارجی، مقامات دولتی و همچنین دفاتر خبرگزاریها و سفارتخانه‌های کشورهای مختلف میباشد، کرایه هر کدام از این خانه‌ها دست کم ۳۰ الی ۴۰ هزار روپیه میباشد. این منطقه به علی که برشمریم تحت کنترل کامل نیروهای انتظامی میباشد و ماشین‌های گشتی پلیس ۲۴ ساعته در آنجا در حال تردداند و به ویژه در شبها عبور و مرور را در این منطقه حساس از شهر کاملاً کنترل میکردند. و با توجه به اینکه هجوم مزدوران در ساعت ۴/۳۰ دقیقه صبح صورت گرفته و منطقاً آنان میبایستی حداقل از ساعت ۴ صبح مشغول نقل و انتقال این همه سلاح و تجهیزات گوناگون به محلهای مختلف و وقوع درگیری بوده باشند چطور

فرهنگی جمهوری اسلامی در پاکستان فعالتر شده بود، مزدوران رژیم در سراسر شهر کراچی پخش گردیده بودند و تعدادی از آنها خود را قاطی پناهندگان نموده و به اسم پناهنده به UN مراجعه نموده و کارت پناهندگی گرفته بودند تا فعالین سیاسی را بهتر شناسایی نموده و تحت تعقیب و پیگرد و مراقبت قرار دهند این وضع بخصوص در این اواخر باعث فشار سختی به ایرانیان گردیده و آنها احساس اختناق زیادی میکردند.

دولت پاکستان نیز بعد از این واقعه با صدور بیانیهای موضع به غایت ارتجاعی خویش را رسماً اعلام نمود در اعلامیه مزبور از عالی بودن روابط با جمهوری اسلامی صحبت شده و همچنین دولت پاکستان تاکید کرده بود که فعالیت سیاسی نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی در پاکستان را تحمل نخواهد کرد و به تهدید و مرعوب ساختن پناهندگان ایرانی پرداخت.

در چنین شرایطی UN نیز به اعمال فشارهای ارتجاعی اش به پناهندگان و بویژه هواداران نیروهای انقلابی همچنان سرخستانه ادامه میدهد. در حقیقت UN به هیچوجه نمیخواهد تا جهانیان از وجود تعداد کثیری پناهنده و آواره ایرانی در پاکستان که در شرایط ناهنجاری بسر میبرند و همیشه

در تهدید عوامل رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته و هر لحظه جانشان در معرض خطر قرار دارد مطلع شوند. UN نه تنها با صدور بیانه‌های این عمل جنایتکارانه را که در حقیقت بر علیه پناهندگان ایرانی در پاکستان سازمان یافته بود را محکوم نکرد بلکه بر فشارهایش به پناهندگان و آوارگان ایرانی همچون گذشته ادامه میدهد.

هنوز پی آمده‌های این واقعه خود را کاملاً آشکار نساخته است ولی چیزی که مسلم است و همه میدانند این است که وضعیت بد پناهندگان ایرانی در اینجا بدتر خواهد شد و امکانات فعالیت نیروهای سیاسی نیز محدود تر میگردد. برای نمونه قبلاً پاکستانی‌ها به سختی حاضر بودند که به ایرانیها خانه کرایه بدهند چون میگفتند که شما در اینجا غیر قانونی هستید حال بعد از این درگیری، بدون شک، این امر سخت تر خواهد شد. هر پاکستانی که از تلویزیون، صحنه‌های خانه‌های تماماً ویران شده رادیده باشد و انواع و اقسام سلاحهایی را که پلیس در این خانه‌ها جمع آوری نموده و از آنها عکس و فیلم تهیه نموده مشاهده کند در کرایه دادن خانه‌اش به ایرانیها دچار تردید میگردد و این همان چیزی است که دولتین مزدور ایران و پاکستان میخواهند یعنی تحریک افکار عمومی مردم پاکستان

بر علیه پناهندگان و آوارگان ایرانی تا در آینده دستشان برای هر اعمال فشار و جنایتی بازتر باشد.

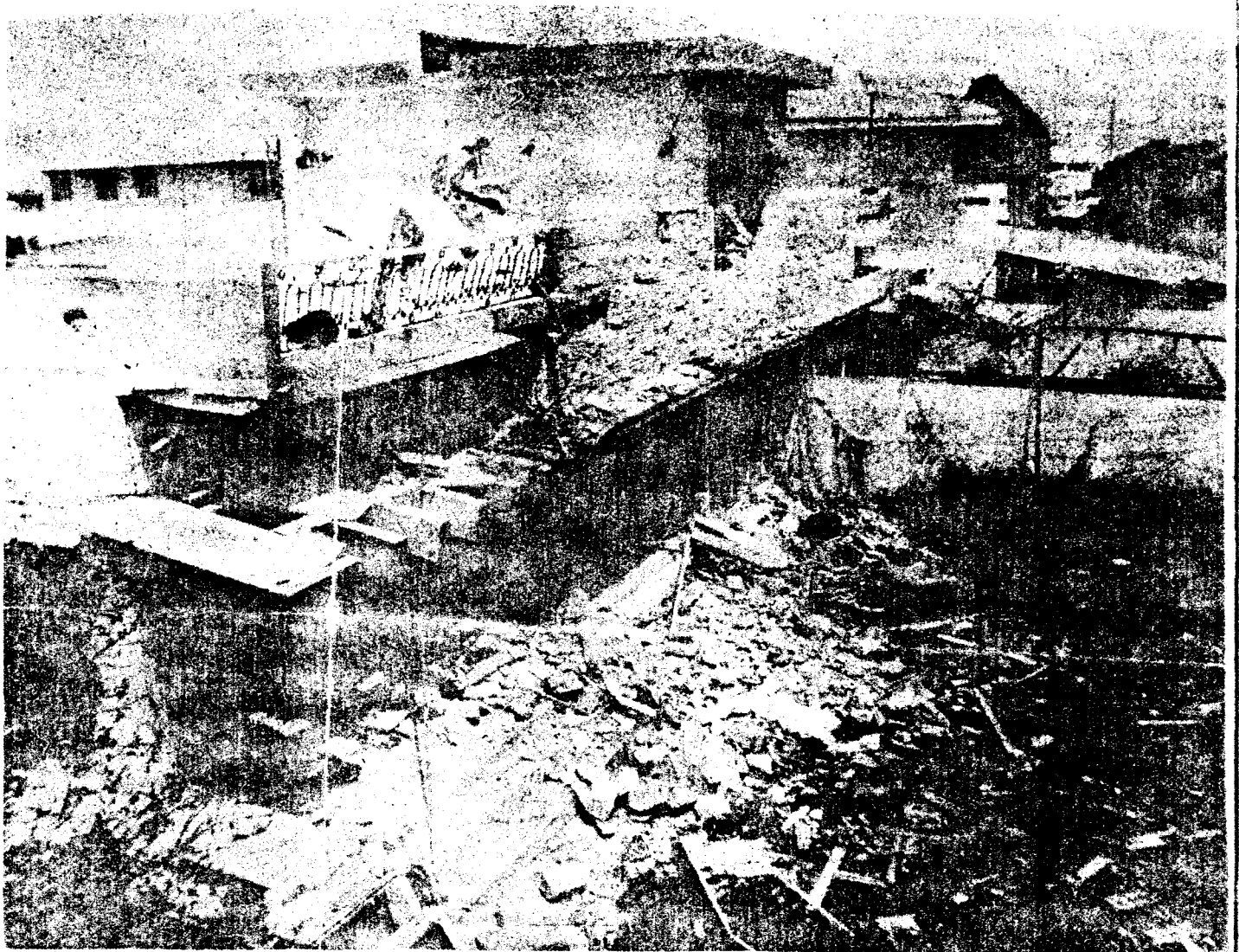
مسلاً واقعه ۸ جولای (۱۷ تیر) توطئه بزرگی بود ولی توطئه‌های بزرگتری در راه است دولتین ایران و پاکستان حالا منتظرند ببینند که واکنش افکار عمومی مردم پاکستان و سایر کشورها چه خواهد بود تسل دست به کار توطئه‌های بعدی بشوند. به همین دلیل اگر چنانچه این توطئه بطور کامل افشاء نشود و برای افکار عمومی دنیا تشریح نگردد و واکنشهای لازم بر علیه آن برانگیخته نشود، دست رژیمهای ارتجاعی ایران و پاکستان در تداوم توطئه‌های خود بر علیه پناهندگان ایرانی در پاکستان باز تر خواهد شد.

ما پیشنهاد میکنیم که هواداران سازمانهای انقلابی و تشکلهای دمکراتیک ایرانیان پناهنده در سایر کشورها بویژه اروپا و امریکا که از آزادی عمل بیشتری برخوردارند، بطور وسیع و گسترده این توطئه را افشاء سازند تا توطئه‌های احتمالی آینده براحتی سازمان نیابد و از ایرانیان آواره و پناهنده در پاکستان حمایت کرده و صدای آنها را به گوش جهانیان برسانند. هم اکنون ۱۰۰۰۰ ایرانی در پاکستان در شرایطی سخت بسر میبرند و مجامع بین المللی و سازمانهای



با صلاح حقوق بشر، حتی اشاره‌ای
بوجود این تعداد آواره و پناهنده
و شرایط سخت زیست آنها نمیکنند.
بنابراین طرح وسیعتر مسائل
آنها و حمایت از آنها ضرورتی
مبصر دارد.

پاکستان ۶۶/۴/۲۱



مهاجر

همیشه فکر میکردم این اسمی که -
 - به ما میدن اشتباس : مهاجر
 مهاجر یعنی کسی که مهاجرت میکنه
 اما ما خودمون نخواستیم مهاجرت کنیم،
 مایه کشور دیگرو انتخاب نکردیم
 ما به یک کشوردیگه هم مهاجرت نکردیم -
 - که اگه شد اونجا بمونیم

ما اینیم : کسانی که فرار کردن،
 اخراجیها،
 تبعیدیها،
 کشوری که مارو پذیرفته یک جای خوب نیست،
 یه تبعیدگاس

ما اینجائیم :

ناصر و بی شکیب،
 یه جایی نزدیک مرز

و در انتظار بازگشت،

کوچکترین تغییر اونور مرزرو میپائیم،
 با هیجان، از هرتازه واردی هزارتا سؤال میکنیم
 هیچی رو فراموش نمیکنیم،
 هیچی رو واگذار نمیکنیم،
 هیچی رو از اونچیزی که گذشته نمیبخشیم.
 هیچی!

آه!

این سکوت مارو گول نمیزنه،
 فریادهائی رو که از اردوگاهها * میاد از اینجا -
 - میشنویم

..... ما خودمون هم تقریباً مثل اخبار -

- مربوط به جنایتهاستیم -

- که از مرزها رد میشن .

برتولت برشت

* - منظور اردوگاههای نازیهاست .

شکست در استراتژی، ۰۰۰

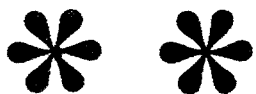
از صفحه ۱۸

خوب ما هم پیشنهاد رژیم را رد
 نکردیم! گفتیم اگر میخواهی
 این جا بجنگی، بسیار خوب،
 برای ما البته راحت تر است!
 [گفتگو صفحه ۱۱] با فروتنی
 ویژه خودشان این پیشنهاد دشمن
 "ضد بشری" را نپذیرند/چرا که
 از "پیشنهاد" های "پیر گفتار"
 جماران" هیچ خیر و برکتی
 عایدشان نخواهد شد. و بکشند
 تا نیروی مجاهدین را در

کمانالی که باعث تقویت هر چه
 بیشتر انقلاب و نابودی قطعی
 سلطه رژیم مزدور جمهوری اسلامی
 میگردد، کمانالیزه نمایند.
 در نتیجه مسئله جنگ
 آزادیبخش و ارتش آزادیبخش
 برای توجیه شکست استراتژی
 مجاهدین طرح گردیده و در چارچوب
 این استراتژی شکست
 خورده قرار است وظایف نامتمام
 مرحله دوم که همانا شکستن
 ظلم اختناق بود را به سرانجام
 برساند/ با این تفاوت که
 از این به بعد دیگر تاکید
 بر چریک شهری نبوده و مبارزه

مسلحانه شهری تنها در مسیر
 ارتقای این جنگ قرار میگیرد/
 یعنی در مرحله دوم استراتژی
 مجاهدین/ از این به بعد بار
 عمده بر تاکتیک جنگ آزادیبخش
 گذاشته میشود/ که ما در بالا
 نشان دادیم این امر چه از لحاظ
 سیاسی و چه از لحاظ نظامی فاقد
 دستاوردهائی است که مجاهدین
 برای خودپیش بینی نموده اند .

ادامه دارد



گفته‌ها و نکته‌ها

معمولا زود بزود مریض میشویم و چون بدنمان از غذای سالم و کافی تامین نمیشود تاب مقاومت در برابر بیماریهای فراوان را نداریم. برای رفتن به دکتر هم امکانات نیست و دیگر اینکه هزینه دارو و درمان خیلی گران است و هر وقت مریض میشویم آنقدر صبر میکنیم تا اینکه خوب شویم یا بمیریم. x در کیهان ۱۰ شهریور ماه بنقل از روستائی زحمتکشی وضع دهقانان چنین تصویر میگردد: اگر ما این دو گاو رو نگه نداریم که لنگیم، اقلا حالا شیرشو میدوشیم و میفروشیم و برامون کم خرجه، کشاورزی برامون بقدر کارگری درآمد داره، من خودم از صبح زود تا غروب رو این زمینا کار میکنم، ولی درآمد روبرو خوریه یعنی آنقدر درمیاوریم که میتوانیم بخوریم و دیگه برای دوا و درمان چیزی نمیمونه، ما باید ۱۰ روز نون و ماست بخوریم تا بتوانیم یک کیلو گوشت بخوریم، ما قبلا اینجا رعیت بودیم، حالا اجاره داریم و باز هم زمین از خودمون نیست.

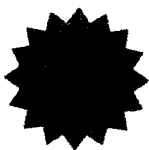
صاحبان درآمدهای بالا به طرق گوناگون از دادن مالیات فرار میکنند. در سال ۶۴ حدود ۱۰ میلیارد تومان درآمد مالیاتی میبایست از پردرآمدها اخذ میشد که دولت موفق به اخذ این میزان مالیات از پردرآمدها نشد و در برابر برای جبران کسری مالیاتی، فشار پرداخت متوجه اقشار و طبقات کم درآمد و متوسط درآمد و صاحبان مشاغل دولتی شد. در ادامه مطلب آمده است که: "در سال ۶۳ پیش بینی اخذ ۱۵ میلیارد تومان مالیات از صاحبان مشاغل آزاد شده بود که در این سال پردرآمدها فقط ۲/۵ میلیون تومان مالیات پرداختند و دولت برای جبران کسری مالیاتی، ناچار شد که از صاحبان درآمدهای پائین مالیات بگیرد."

x در کیهان ۸ مرداد ماه در گزارشی از شرایط زندگی عشایر لرستان به نقل از زحمتکشی آمده است: "با این خانواده پرجمعیت درآمد نداریم و کارگری میکنیم. تنها دامهایی که سرمایه امرامعاش خانواده مان است ۷ راس بز است و بعلت فقر بهداشتی، غذائی

x علی ماجدی معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی در خصوص ضرورت اصلاح نظام پولی کشور گفت: آیا درست است که به علت بدعمل کردن بعضی ها کالائی با یک ارز ۱۰۰ تومانی تولید شود و اگر قبلا با ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان به بازار عرضه میشد، حالا به قیمت ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تومان عرضه شود و یک قیمت بازار سیاه درست کند؟ در حالیکه میتوان با یک نظام منسجمی همان ارز را به قیمتی معادل بهای نفت آن جذب کرد و در اختیار تولیدکنندگان قرارداد تا بجای اینکه قیمت کالا به ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تومان برسد مثلا در حد ۴۰۰۰ تومان متوقف شود.

x یکی از کارشناسان اقتصادی رژیم اعلام کرد: در سال ۶۵ بخش خصوصی حدود ۵۰ میلیارد تومان در مقابل ارز صادراتی سودبرده است. اگر تعداد کل صادرکنندگان و واردکنندگان را ۵۰۰۰ نفر بدانیم هر یک بطور متوسط در خلال سال ۶۵ مبلغ ۱۰ میلیون تومان سود برده اند.

x در روزنامه کیهان ۳۰ مرداد ماه درباره مسئله مالیاتها آمده است که: "در شرایط کنونی



"طلوع"

اینک منم، من

- کینه دار و خون آلود

محکوم به بردگی، در عصر کامپیوتر

عصر اورانیم

عصر دمکراسی و فضا!

بندی، نه آنچنان -

که یوغ عصر مفرغ -

درپای داشته باشد .

xxxxxx

اینک منم، من

غارت شده عصر فتودالیسم

استعمار شده عصر تحول

به عسرت نشسته عصرا میریالیسم

کسی که همچو ورزا

خیشستم بدوش کشیده است سالها

کسی که خون خویش را

- ای دشمنان خلق -

با حکم شومتان

ناچار و ناگزیر

درکاسه زمان

ذره

ذره

ذره

با دودمان خویش -

تقسیم کرده بود،

بل دست رأفتی را -

شایسته عدالت یابد.

کسی که هرم کینه دودمانش -

حتی

از سینه زمین -

شعله میکشد.

xxxxxx

منم، من

آواره ای غریب در سرزمین خویش

معدنچی معادن تاریک

بلمچی آبهای گرم جنوب

دوره گرد کهنه فروش کویر

ماهی گیر تا اولین دستان شمال

با انقلاب سفید کذائی

از مزرعه رمانده شده -

وغار کارخانه مرا بلعید

منم

میراث دار کینه چندین و چند هزار نسل -

ستم دیدگان زمینم

با راییت سرخ انتقام بدوش

زی سوی کاخ ظلمت و بیدادتان کنون

بانعره و نفیر مسلسل -

آماده ام به پیش .

نه رنگ، نه درنگ

نه آه، نه دریغ

اینک زمان بستن کهنه حسابهاست

ای نسلتان به باد نگونسازی

ای دشمنان رویش و بیداری

من گور مرگتان را -

با دستهای کینه -

در زیر تازیانه خونریزتان به امید

کندم -

آنگاه که مست و مغرور

شلاق می زدیدم .

اینک گلوله ام من

آماده بی قرار

چیزی به حد عصیان

آماده خشمگین

خشمی به طول تاریخ

تا وا بریزم از بین

کاخ پلیدتان را

در گور مرگ ایام .

مارکسیسم و انقلاب

دهقانان (*)

اثری از: ژوزف استالین

این حقیقت برای ما در رابطه با برخورد مارکسیستی‌امان به مسئله اتحاد بین طبقه کارگر و دهقانان دارای اهمیت قطعی است. این به معنی آنست که ما خواهان هر نوع اتحادی با دهقانان نیستیم، بلکه فقط خواهان چنان اتحادی هستیم که برپایه مبارزه برعلیه عناصر سرمایه‌دار دهقانان، بنا شده باشد.

همانطور که میبینید تـز لنین در مورد آخرین طبقه سرمایه‌دار بودن دهقانان نه فقط با ایده اتحاد بین طبقه کارگر و دهقانان تضادی ندارد، بلکه برعکس، برای این اتحاد بعنوان اتحاد بین طبقه کارگر و اکثریت دهقانان که برعلیه عناصر

* - این مقاله بند سه بخش چهارم نطق استالین تحت عنوان انحراف به راست در حزب کمونیست شوروی (بلشویک) است که در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست و در کمیسیون کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی (بلشویک) در آوریل ۱۹۲۹ ایراد شده است (خلاصه گزارش صورتجلسه)

میگوید اینهاست: آیا کولاک ما حقیقتاً میتواند کولاک نامیده شود؟ در حالیکه او فقیر است؟ و دهقان میانه ما، آیا او حقیقتاً مثل یک دهقان میانه است؟ در حالیکه او فقیری است که در آستانه گرسنگی بسر میبرد؟ واضح است چنین نظریه‌ای در مورد دهقانان اساساً نظریه‌ای غلط است که با لنینیسم منافات دارد.

لنین میگفت که دهقانان منفرد، آخرین طبقه سرمایه‌دار هستند. آیا این حکم صحیح است؟ بله مسلماً صحیح است. چرا دهقانان منفرد بعنوان آخرین طبقه سرمایه‌دار تعریف میشوند؟ بخاطر آنکه از دو طبقه اصلی که جامعه ما را تشکیل میدهند، دهقانان طبقه‌ای هستند که اقتصاد آنها برپایه مالکیت خصوصی و تولید خردکالائی بنا شده بخاطر آنکه دهقانان مادامیکه دهقانان منفردی هستند که تولید خردکالائی را پیش میبرند، از میان خودشان سرمایه‌داران را بوجود نمی‌آورند و نمیتوانند بطور پیوسته و مداوم آنها را بوجود نیآورند.

سومین اشتباه بوخارین در مورد مسئله دهقانان است. همانطور که میدانید این مسئله یکی از مهمترین مسائل سیاست ماست. در شرایط حاکم بر کشور ما، دهقانان از گروههای اجتماعی مختلف تشکیل شده‌اند: دهقانان فقیر، دهقانان میانه و کولاکها. واضح است که برخورد ما به این گروههای مختلف نمیتواند یکسان باشد. دهقانان فقیر بعنوان پشتیبان طبقه کارگر، دهقان میانه بعنوان متحد، کولاک بعنوان دشمن طبقاتی، چنین است برخورد ما به این گروههای اجتماعی. تمام اینها روشن و عموماً شناخته شده است.

ولی بوخارین به موضوع طور دیگری مینگرد. در توصیف او از دهقانان این قشر بندی حذف میشود، موجودیت این گروههای اجتماعی محو میگردد و تنها قطعه ثابتی باقی میماند که روستا نامیده میشود. مطابق آنچه او میگوید نه کولاک، کولاک است و نه دهقان میانه، دهقان میانه، بلکه در روستا نوعی تهیدستی یک دست وجود دارد. آنچه او در سخنانش

سرمایه دار عموماً و عناصر سرمایه دار دهقانان در روستا خصوصاً ، سمت و سو یافته ، پایه‌ای فراهم میسازد .

لنین این تز را بخاطر آن مطرح کرد که نشان دهد اتحاد بین طبقه کارگر و دهقانان فقط اگر بر مبنای مبارزه علیه آن عناصر سرمایه داری که دهقانان از میان خودشان بوجود میاورند بنا شود ، میتواند اتحاد پایداری باشد .

اشتباه بوخارین آن است که این امر ساده را نمیفهمد و آن را قبول نمیکند ، او گروههای اجتماعی را در روستا فراموش میکند ، کولاکها و دهقانان فقیر را نادیده میگیرد و همه آنچه میماند توده دهقانان میانسه یک دست است .

بدون شک از سوی بوخارین این یک انحراف به راست است ، در برابر انحراف به "چپ" تروتسکیستی که گروههای اجتماعی دیگری در روستا جز دهقانان فقیر و کولاکها را نمیبیند و دهقانان میانسه را نادیده میگیرد .

تفاوت بین تروتسکیسم و گروه بوخارین در مسئله اتحاد با دهقانان در کجاست ؟ در این حقیقت که تروتسکیسم مخالف سیاست اتحاد پایدار با توده های دهقانان میانسه است ، در حالیکه گروه بوخارین عموماً بر له هر نوع اتحادی با دهقانان است . لازم به اثبات نیست که هر دوی این

مواضع غلط هستند و هر دو به یک اندازه بی ارزشند .

لنینیسم مسلماً طرفدار اتحاد با توده اصلی دهقانان است . طرفدار اتحاد با دهقانان میانسه است ؛ اما در هر حال طرفدار هر نوع اتحادی نیست ، بلکه طرفدار چنان اتحادی با دهقانان میانسه است که نقیض رهبری کننده طبقه کارگر را تامین ، دیکتاتوری پرولتاریا را تحکیم و الغاء طبقات را آسان کند .

لنین میگوید : " توافق بین طبقه کارگر و دهقانان ممکن است هر چیزی معنی بدهد . اگر ما در نظر نداشته باشیم که از نقطه نظر طبقه کارگر ، اصولاً فقط توافقی مجاز ، صحیح و ممکن است که حامی دیکتاتوری طبقه کارگر و یکی از اقداماتی باشد که الغاء طبقات را هدف قرار میدهد .

در این صورت البته فرمول توافق بین طبقه کارگر و دهقانان فرمولی میشود که همه دشمنان رژیم شوراها و همه دشمنان دیکتاتوری زیرش را امضا میکنند" (جلد ۲۶ ، صفحه ۲۸۷) و کمی جلوتر لنین میگوید : " در حال حاضر پرولتاریا قدرت را بدست دارد و دولت را رهبری میکند و دهقانان را رهبری میکند . رهبری دهقانان چه معنی دارد ؟ در درجه اول بمعنای تعقیب خطی در جهت الغاء طبقات و نه در جهت تولیدکننده خرد میباشد . اگر ما از این خط اساسی و اصلی منحرف شویم دیگر سوسیالیست نخواهیم بود

و خودمان را در اردوگاه خرده - بورژوازی ، در اردوگاه سوسیال رولوسیونرها و منشویکها کسه اکنون بدترین دشمنان پرولتاریا هستند ، خواهیم یافت " (همانجا صفحات ۴۰۰ - ۳۹۹) .

در اینجا شما نقطه نظرات لنین در مورد مسئله اتحاد با توده اصلی دهقانان ، اتحاد با دهقانان میانسه را میبینید .

اشتباه گروه بوخارین در مورد مسئله دهقانان میانسه آن است که این گروه طبیعت دوگانه و مواضع دوگانه دهقانان میانسه را بین طبقه کارگر و سرمایه داران نمی بیند . لنین میگوید : " دهقانان میانسه طبقه متزلزلی هستند " چرا ؟ برای آنکه از یکطرف ، دهقان میانسه فسرده زحمتکشی است که این امر موجب نزدیکی او به طبقه کارگر میشود ، اما از طرف دیگر او یک صاحب ملک است که این امر موجب نزدیکی او به کولاک است . از اینجاست تزلزلات دهقان میانسه ، و این نه فقط در تئوری صحت دارد ، بلکه این تزلزلات همچنین خودشان را هر روز و هر ساعت در عمل نشان میدهند .

لنین میگوید : " دهقان بعنوان یک زحمتکش ، بطرف سوسیالیسم گرایش دارد . دیکتاتوری پرولتاریا را به دیکتاتوری بورژوازی ترجیح میدهد . اما به عنوان فروشنده غله دهقان بطرف بورژوازی ، بطرف آزادی تجارت ، یعنی شکل عادی ، در صفحه ۱۳

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریکها

”اسلام‌گرائی“ و مارکسیسم

به روایت رفسنجانی

۶۶/۶/۱۸

رفسنجانی جنایتکار که کوس رسوائی اش در رابطه با روابط گسترده اش با امریکا و اسرائیل در هر کوی و برزن بصداء آمده و دستهای خون‌آلودش که بخون هزاران ایرانی آغشته است در انتظار توده‌ها به نمایش گذاشته شده و ماهیت نوکری اش برای امپریالیست‌ها بر کسی پوشیده نیست با کمال وقاحت در نماز جمعه ۱۳ شهریورماه به لجن پراکنی بر علیه مارکسیسم این تئوری ظفر نمون طبقه کارگر پرداخت تا با کوبیدن مارکسیسم برای اسلام‌گدائی اش بازار گرمی نماید، البته برای لجن پراکنی بر علیه مارکسیسم رفسنجانی به ”تحلیل گران غربی“ یعنی همان ایدئولوگهای اربابان امپریالیستش متوسل شد تا هم، چنته خالی خود را بپوشاند و هم شادی و مسرتش را از اینکه اربابانش با باد کردن به موج اسلام‌گرائی چراغ

در صفحه ۳۶

جنگ امپریالیستی ایران و عراق و توطئه

امپریالیستها در تداوم و گسترش آن

۶۶/۶/۲

سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی که در اجرای سیاست امپریالیسم در منطقه ایران را به عرصه جنگی خونین با عراق تبدیل نموده‌اند، در چهارچوب همین سیاست هر روز بر طبل جنگ میکوبند و بر تداوم آن تاکید مینمایند. جنگی که قربانیانش را از خلقهای ایران و عراق میگیرد و منافعش به جیب امپریالیست‌ها و رویزیونیستها میرود. جنگی که به قیمت سرکوب خونین انقلاب ایران و غارت و چپاول و کشیدن شیره جان زحمتکشان هر روز علیرغم همه شعارهای فریبنده صلح و بیطرفی ادامه یافته و در هشتمین سال شروع اش میرود تا شعله‌هایش خلقهای دیگر منطقه را نیز در خود بسوزاند.

در حالیکه امپریالیستها و رویزیونیست‌ها این تامین

در صفحه ۳۴

میلیتاریزه کردن خلیج فارس به بهانه

حفظ امنیت کشتیرانی

۶۶/۶/۲۱

مدتی است که حضور ناوگانهای جنگی امریکا در خلیج فارس به یکی از خبرهای مهم جهان تبدیل گردیده است و دستگاههای تبلیغاتی امپریالیست‌ها میکوشند با برجسته ساختن هر چه بیشتر این امر اولادلائل واقعی این مسئله را کتمان نموده و در تالی همه مسائل دیگر را تحت الشعاع این موضوع قرار دهند. این مسئله از یکطرف باعث تبلیغات وسیع امریکا در رابطه با ضرورت حضور نیروهایش در خلیج فارس به بهانه حفظ امنیت کشتیرانی در این آبراه گشته و از طرف دیگر به وسیله‌ای برای فریبکاری جمهوری اسلامی و تشدید سیاست‌های سربازگیری به بهانه احتمال جنگ با امریکا تبدیل گردیده است.

از آنجا که مسئله امنیت کشتی رانی در خلیج فارس به علت جنگ نفتکشها که در چارچوب

جنگ ایران و عراق واقعیت یافته طرح میگردد پس بررسی این مسئله نیز نمیتواند از مسئله جنگ ایران و عراق جدا گردد. اما همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم جنگ ایران و عراق در چهار چوب سیاستهای امپریالیسم در منطقه و در همکاری با رویزیونیستها سازمان یافته است و امپریالیسم به بهانه این جنگ کل منطقه را به دژی نظامی تبدیل ساخته است دژی که با انواع و اقسام سلاحهای مرگبار ساخت شرکتهای امپریالیستی به وسیلهای برای فائق آمدن امپریالیسم بر رکود و بحران خود تبدیل گردیده است و در همانحال به بهانه این جنگ امپریالیسم میکوشد تا منطقه را هرچه بیشتر میلیتاریزه کرده و توانائی خود را در جهت پیشبرد دسیسههای امپریالیستی اش در منطقه بر علیه خلقهای تحت ستم فزونی بخشد.

در نتیجه در این چهار - چوب به روشنی میتوان به واقعیت همه ادعاهای امپریالیستها و سگهای زنجیریشان مثلا در رابطه با امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و یا بقول هاشمی رفسنجانی جنایتکار "جنگ روانی امریکا با جمهوری اسلامی" پی برد. اگر سیاست امپریالیسم

امریکا در حضور هرچه گسترده تر در منطقه و ایجاد یک نیروی پاسدار قوی در خلیج فارس برای مقابله با انقلاب خلقهای ستمدیده که به علت شرایط بحرانی نظام امپریالیستی و سرشکن شدن این بحران بر دوش کشورهای تحت سلطه هر روز برجستگی بیشتری میابد قرارداد امری که امکانات مانور امریکا در مقابله با خطراتی که سلطه اش را در منطقه تهدید میکند را کاملا فزونی خواهد بخشید پس چه بهانه ای بهتر از اصرار جمهوری اسلامی بر تداوم جنگ ایران و عراق و ادعاهای مضحک این رژیم در مخالفتش با امریکا میتواندست در جهت این سیاست قرار گیرد. در نتیجه در حالیکه جمهوری اسلامی درست در راستای سیاست امپریالیسم در منطقه گام بر میدارد و مجری حلقه به گوش این سیاست در منطقه میباشد در همانحال به بهانه حضور توسعه طلبانه امریکا در خلیج فارس و تهدیدات مضحک مقامات امریکائی میکوشد با زهم ریاکارانه خود را ضدامپریالیست و مخالف امریکا جا بزند. و با این تبلیغات دروغین و تهدیدهای پوچ و توخالی آب به آسیاب دستگاه تبلیغاتی امریکا بریزد دستگامی که وظیفه دارد در حالیکه هدایت و کنترل جنگ ایران و عراق در دست امپریالیستهاست و منافع

عظیمی از قبل این جنگ امپریالیستها و از جمله امریکا به جیب میزنند امریکا را در این جریان بیطرف جلوه دهد و در حالیکه قلاده خمینی این سنگ زنجیری امپریالیسم در دست امریکاست دستهای خونین امپریالیسم را در این وقایع پنهان سازد. تبلیغات دروغینی که هم به کار امریکا میاید و هم نوکرش جمهوری اسلامی. اما چرا: همانطور که توضیح دادیم در حالیکه امپریالیسم امریکا سیاست خود را در منطقه پیش میبرد در همانحال احتیاج دارد که آنرا به وسیله ای و با بهانه ای توجیه نماید و چهره جنایتکارش را به این وسیله لاپوشانی کند بویژه پس از سواستی ایران گیت که بر اثر حدت یابی تضادهای درونی طبقه حاکمه در امریکا رخ داد هم ادعاهای بیطرفی امریکا در جنگ ایران و عراق کذب بودنش ثابت شد و هم سردمداران جمهوری اسلامی هرچه بیشتر رسوا گردیدند.

در این جریان بار دیگر آشکار شد که امریکای تروریستی که ادعای مبارزه با تروریسم میکرد و جمهوری اسلامی را رژیم تروریستی قلمداد مینمود خود حامی جمهوری اسلامی میباشد و ادعای فقدان رابطه و عدم فروش اسلحه و غیره دروغ محض درآمد. این رسوائی مواضع

تاکید کنیم که مجریان این نمایش جز رسوائی نصیبی نخواهند برد و خلغهای ما که در تجربه زندگی خود به روشنی پی به ماهیت تبلیغات دروغین امپریالیستها و سردمداران جمهوری اسلامی برده‌اند و به درستی خمینی و اعوان و انصارش را نوکران جیره خوار همیمن امریکای جنایتکار میشناسند نه تنها فریب این تبلیغات را نخواهند خورد بلکه واقعیت تاکید جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش بر این تبلیغات خود نشانه آگاهی فزاینده خلغهای ماست.

"جنگ روانی" امریکا با خودشان و احتمال جنگ با امریکا در خلیج فارس باز هم خود را ضد امپریالیست و ضد امریکائی جلوه داده و به فریبکاری دست بزنند و به بهانه احتمال جنگ با امریکا سیاست سربازگیری اجباری و بسیج نیروی خود را تشدید نموده و باز هم جوانان کشور را راهی مسلخ های جنگ ایران و عراق نمایند.

در نتیجه با روشن شدن واقعیت تبلیغات امپریالیسم امریکا و سگ زنجیرش جمهوری اسلامی در این نمایش مسخره و به اعتبار آگاهی خلغهای قهرمانان میتوانیم بار دیگر

ریگان و دارو دستهایش را در امریکا شدیداً تضعیف نمود و از آنجا که انتخابات رئیس جمهور امریکا در پیش است ریگان و جناحش میبایست به تحکیم مواضع ضربه خورده خود میپرداختند در نتیجه هیاهو بر علیه جمهوری اسلامی و احتمال درگیری با این رژیم بر اساس حضور ناوگان امریکا در خلیج فارس که در چهارچوب سیاست

امریکا در میلیتاریزه کردن منطقه قرار دارد بهترین خوراک تبلیغاتی برای پیشبرد این هدف قرار گرفت و ریگان به بهانه ناامن ساختن خلیج فارس از طرف جمهوری اسلامی ناگهان پرچم دار دفاع از امنیت کشتیرانی در خلیج فارس شد و به این وسیله کوشید تا به خود چهره ای ضد جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی اش دهد و در همان حال سردمداران دزد و فاسد جمهوری اسلامی که برای فریب توده ها و استفادهاز احساسات ضد امپریالیستی آنها هر روز شعارهای پوچ سرمیدادند در شرایطی که توده ها در تجربه زندگی خود به عمق ریاکارانه بودن این شعارها پی برده بودند و بخصوص مسئله سفر مک فارلین و عواقب آن کوس رسوائی رژیم را در هر کوی و برزن به صدا در آورده بود حال فرصتی دیگر بدست میاوردند تا با ادعای

جنگ امپریالیستی ایران و عراق ۵۵۵

از صفحه ۳۲

کنندگان اصلی سلاحهای مرگبار جنگ فوق برای تظہیر چه ره رسوای خود در این مسئله هر روز از صلح و بیطرفی سخن میگویند و برای قطع آن در شورای امنیت قطعنامه صادر مینمایند اما جنگ هر روز شدت بیشتری گرفته و آتش آن با سلاحهایی که همین منادیان " صلح و بیطرفی" در شورای امنیت سازمان ملل یعنی ۵ کشور آمریکا، انگلیس فرانسه، شوروی و چین به میدانهای آن سرازیر نموده‌اند - شعله و رتر میگردد. و واقعیت

دروغین این تبلیغات را با برجستگی هرچه بیشتری در مقابل خلغهای ما قرار میدهد. واقعیت این است که امپریالیستها برای فائق آمدن بر بخشی از بحران اقتصادی خود و میلیتاریزه کردن منطقه و گسترش نفوذشان در منطقه، برای مقابله با انقلاب توده های این جنگ ویرانگر را سازمان داده‌اند و علیرغم همه هیاهوهایشان در باره صلح و بیطرفی این جنگ تا زمانیکه جنگ ایران و عراق در جهت تامین این سیاستها کارائی داشته باشد ادامه خواهد یافت و حتی با تضعیف منابع مالی دو طرف جنگ برای

و نابودی این جنگ در گسترش مبارزات آنها و رشد جنگ انقلابی شان بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش نهفته است. در نتیجه خلقهای ما وظیفه دارند برای پایان دادن به این جنگ امپریالیستی و عقیم گذاشتن توطئه امپریالیستها در گسترش آتش آن و تداوم هرچه بیشترش، جنگ انقلابی جاری بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را با همه توان خود تقویت نموده و با شرکت در آن به رشد و گسترش آن اقدام نمایند و صدای اعتراض خود را بر علیه آن فزونی بخشند چرا که تنها راه رهایی از مصائب این جنگ ویرانگر که هر روز قربانیان جدیدی از خلقهای ما میگیرد جنگیدن بر علیه سازمان دهندگان آنست.

مرگ بر جنگ امپریالیستی
ایران و عراق



تبلیغات فریبکارانه ایمن نیروها برخوردار کرده و بدانند که آنها بواقع خواهان صلح و پایان این جنگ نمیباشند و اگر نه فلاحه جمهوری اسلامی در دست امپریالیستهای است که دم از صلح و آتش بس میزنند و اگر بواقع آنها خواهان پایان این جنگ ویرانگر بودند بدون شک سگ زنجیریشان جمهوری اسلامی هم این سیاست را پیش میبرد ولی امپریالیستها برای مخفی کردن چهره جنایتکار خود در نزد خلقها شعار صلح سر میدهند و جمهوری اسلامی برای پیشبرد نقشههایشان تنور جنگ را گرمتر مینمایند تا همه جهانیان و خلقهای منطقه این نوکر حلقه به گوش را تنها مسبب این آتش افروزی و ویرانگری بیندارند و اربابان امپریالیستش با دستهای بازتری به دسیسه چینی بر علیه خلقهای منطقه بپردازند. در نتیجه خلقهای ما که

بدرستی این جنگ را جنگی ویرانگر و بر علیه منافع خود میدانند و حاضر نیستند در راه جنگی غیر عادلانه و ضد انقلابی، جنگی که تنها در جهت منافع سرمایه داران و چپاولگران است قربانی گردند و بحق خواهان قطع این جنگ و برقراری صلحی دموکراتیک هستند باید بدانند که راه رسیدن به صلح

چپاول هرچه بیشتر منابع مالی کشورهای خلیج فارس هرآن امکان دارد گسترش هم بیابد.

امپریالیستها هر زمان که احساس کنند برای پیشبرد سیاستهایشان به آن سرمایه‌هایی که از تولید و صدور نفت در دست حکام کویت و عربستان متمرکز گشته است نیازمندند بدون شک با دستاویزهایی که سگهای زنجیریشان در منطقه براحتی میتوانند آنرا بوجود آورند به گسترش این جنگ میبادرت میکنند و اتفاقاً مسئله رویداد مکه و مسائلی که پس از آن بوجود آمد از جمله به سفارتخانه عربستان و کویت و خرابکاری در تاسیسات نفتی این کشور گرفته تا جنگ تبلیغاتی‌ای که جمهوری اسلامی بر علیه عربستان برآه انداخته و خواهان سرنگونی حکومت آن کشور گردیده همه و همه در جهت آماده سازی زمینه برای این نیاز امپریالیست‌هاست. خلقهای ما خواهان خاتمه این جنگ و برقراری صلح میباشند و امپریالیستها و رویزیونستها نیز با آگاهی بر این گرایش توده‌ها دم از صلح میزنند و در نهان آتش جنگ را شعله‌ورتر میگردانند. در نتیجه خلقهای ما باید با هشیاری کامل به

مرگ بر جنگ امپریالیستی برقرار باد صلحی دموکراتیک

گرائیه".

سده دفاعی ایجاد نمایند— و نارضایتی توده‌ها را که در شرایط بحران نظام جهانی امپریالیستی هر روز اوج تازه‌تری میگیرد را به این وسیله به کجراه ببرند. اینکه تحلیل‌گران غربی در تحلیل‌های یک‌شاهنی‌ساز خود از عدم جذابیت مارکسیسم سخن میگویند و نوکرانی همچون رفسنجانی آنرا بلغور میکنند امر تازه‌ای نیست و اگر نباشد تعجب‌انگیز است چرا که مارکسیسم - لنینیسم این تئوری ظفر نمون طبقه کارگر در سطح جهانی هر روز رشد و گسترش بیشتری میابد و به مثابه تئوری پیگیرترین دشمن طبقاتی امپریالیست‌ها یعنی طبقه کارگر سنگرهای جدیدی را فتح مینماید. امری که لرزه بر اندام امپریالیست‌های جهان‌خوار انداخته و آنها را برای مقابله با این تئوری به‌روسیله‌ای متوسل کرده است و موج اسلام‌گرائی و مبلغینی چون خمینی و رفسنجانی درست در راستای همین سیاست امپریالیستی است که امکان رشد یافته و یا در ایران برای تحمیل توده‌ها و سرکوب انقلابشان بر آریکه قدرت قرار گرفته‌اند و اتفاقاً علیرغم اراجیف رفسنجانی چون در دنیا "حرکت نفس‌داری" در مقابله امپریالیست‌ها وجود دارد که همانا جنبش جهانی کارگران و کمونیست‌های پیشرو آنان

وقتی تحلیل‌گران غربی که دشمنی‌شان با مارکسیسم و انقلاب بر کسی پوشیده نیست و اساساً کارشان زمینه‌چینی‌های گوناگون بر علیه مارکسیسم و انقلاب است منبع استنساد رفسنجانی میشوند، دیگر ماهیت اسلام رفسنجانی هم از پیش روشن است، همان اسلامی که لفافه عقیدتی سرکوب‌خونین انقلاب خلقهای ما و اعمال وحشیانه دیکتاتوری امپریالیستی در کشور ما تحت رژیم جمهوری اسلامی است. اسلام رفسنجانی که ۸ سال است توده‌های ستمدیده ما آن را به مثابه توجیه گر همه جنایات و چپ‌ولهای جمهوری اسلامی به روشنی دیده‌اند و نفرت و انزجار خود را از آن به اشکال گوناگون بروز میدهند. پس سران جمهوری اسلامی و اسلام‌کذائیشان به واقع هم باید مشروعیت خود را از تحلیل‌گران غربی و اربابان امپریالیست‌شان بگیرد و فریاد شادی سر دهند که اربابان‌شان هنوز هم روی موج اسلام‌گرائی سرمایه‌گذاری کرده، و از نتایج بدست‌آمده از گسترش این موج راضی هستند. موجی که درست در جهت منافع امپریالیسم و از سوی آنها به وسایل مختلف اشاعه میابند و جمهوری اسلامی تنها یکی از مجریان حلقه به گوش پیشبرد آن میباشد تا در مقابل موج سهمگین انقلاب خلقهای منطقه

اسلام‌گرائی و مارکسیسم ۵۰۰

از صفحه ۳۲

سبزی هم به او زده‌اند، نشان دهد. رفسنجانی که در شعار خود را مخالف امپریالیسم و غرب جا میزند و شعارهای پوچ و توخالی علیه آمریکا هرگز از دهانش نمی‌افتد آنچنان از سخنان "تحلیل‌گران غربی" به شغف آمده است که مشروعیت اسلام‌اش را در استناد به فلان سخن تحلیل‌گران غربی در میابند و به این وسیله ماهیت واقعی خود را بار دیگر آشکار میسازد.

این شیخ وقیح کلاه اربابان‌ش بوسیله همین "تحلیل‌گران" غربی و تبلیغات گسترده میکوشند تا قیای میانه روی به تنش نمایند گفت: "همین دیروز مقاله‌ای رو یکی از تحلیل‌گران غربی نوشته بود که در جراید آمد و رادیوهاشان خوند و اون این بود که امروز دیگر در دنیا حرکت نفس‌داری در مقابل مانیت به صراحت گفتند مارکسیست‌دیگه جاذبه جذب جوونها را نداره، گفتند جوونها کشورهای شورهای اسلامی دیگه با جاذبه ناسیونالیست و وطن‌گرائی نمی‌جنگند با ما. قومیتها مثل نژاد عربی و چیزهای دیگه اون جاذبه لازمه ایثار و جان‌بازی را نداره جدیدترین و قویترین موجی که امروز دنیا را داره تگون می‌دهه موج اسلام

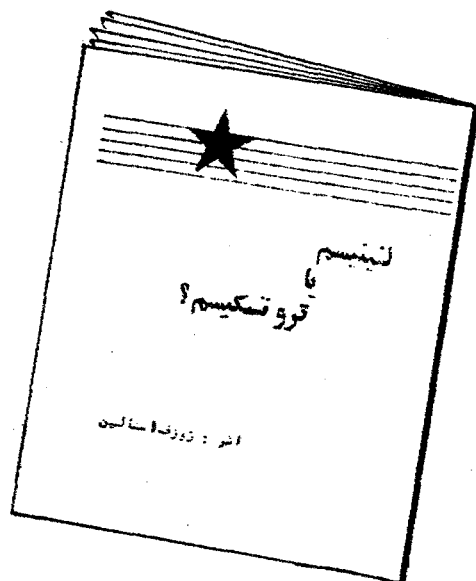
سرکوب، ۸ سال غارت و چپاول توده‌ها و قربانی نمودن هزاران ایرانی در میدانهای جنگ و اقعیت ۸ سال نوکری برای امپریالیست‌ها و اسرائیل که در جریان افشای سفر مک فارلین هرچه بیشتر آشکار گردید همگی به روشنی ماهیت واقعی اسلام رفسنجانی را به خلقهای ما نشان داده است و تأثیر فریبکاریهای این مزدوران راهر چه محدودتر ساخته است امری که خلقهای ما به روشنی دریافته‌اند این واقعیت است که اسلام خمینی و رفسنجانی جز توجیه‌گر فقر و فلاکت و جنگ و شکنجه و اعدام نبوده و نیست و در حالیکه اسلام رفسنجانی شرایط انقیاد و بردگی خلقها را توجیه مینماید برعکس مارکسیسم راه رهایی خلقها را به آنها نشان میدهد و چراغ راهنمای کارگران برای رسیدن به پیروزی یعنی نابودی سلطه امپریالیسم و استقرار سوسیالیسم میباشد.

این تئوری است. تئوری ای که بر اساس اسلوب علمی با تحلیل شرایط جامعه سرمایه‌داری حتمیت نابودی این نظام ظالمانه و استقرار سوسیالیسم را به اثبات رسانده و مبارزات طبقه کارگر در بیش از صد سال اخیر هزاران فاکت عینی در صحت این آموزش همیشه جوان در اختیار همه قرار داده است.

رشد روز افزون مارکسیسم و دستاوردهای طبقه کارگر که بدون شک در شرایط بحرانی نظام جهانی امپریالیستی پیروزیهای باز هم بیشتری بدست خواهد آورد امپریالیستها را بر آن داشته تا بقول رفسنجانی برای جذب جوونها و در واقع تحمیق آنها بر مذهب و اسلام تکیه نمایند. ولی تجربه ۸ سال حاکمیت جمهوری اسلامی که در زیر پوشش اسلام سلطه امپریالیستی به وحشیانه‌ترین شکلی تداوم یافته است تجربه ۸ سال جنایت و

و انقلاب خلقهای تحت ستم در سطح جهان میباشد امپریالیستها به تکاپو افتاده تا در مقابل انقلاب رو به رشد طبقه کارگر و تئوری راهنمایش مارکسیسم - لنینیسم مذهب گرائی و اسلام گرائی را هر چه بیشتر اشاعه دهند و این موج اسلام گرائی اگر امکانی برای رشد یافته است و امپریالیستها هر روز با تبلیغات جهانی خود و توسل به انواع و اقسام شگردهای رنگارنگ بر بدن نحیف آن میدمند دلیلی جز قدرت‌گیری روز افزون انقلاب خلقها و رشد روز افزون طبقه کارگر این گورکن نظام سرمایه‌داری نداشته و ندارد. انقلابی که می‌رود تا با نابودی سلطه امپریالیسم و گذار به سوسیالیسم شرایط مادی هر گونه خرافه پرستی را نیست و نابود سازد.

در نتیجه علیرغم همه اراجیف رفسنجانی مارکسیسم در سطح جهانی در میان کارگران و زحمتکشان مقبولیت هرچه بیشتری یافته و هر روز که می‌گذرد توده‌های هرچه وسیعتری بسوی آن روی می‌آورند و تشبثات امپریالیستها و سگهای زنجیریشان برای بی‌اعتبار جلوه دادن مارکسیسم تنها بیانگر بی‌اعتباری آنها در نزد توده‌ها و وحشتشان از رشد روز افزون



خود را بیکی از شهرهای مرزی پاکستان رسانده بودند بوسیله پلیس پاکستان دستگیر و زندانی میشوند. یکی از این دو موفق به فرار میشود و خود را به دفتر سازمان ملل میرساند و با نماینده سازمان ملل برای آزادی دوستش به اداره پلیس مراجعه میکنند که پلیس ضدخلفی پاکستان مجدداً او را دستگیر و زندانی کرده و نماینده سازمان ملل نیز بدون هیچ اقدامی به محل کارش باز میگردد.

● یکی از اعضای سابق بانسند تروریستی جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای با تلویزیون فرانسه ادعا نمود که سفارت‌های ایران در شهرهای بن و ژنو، کانون اداره شبکه‌های تروریستی رژیم در کشورهای اروپا میباشند. وی همچنین اضافه نمود که دو مرکز تروریستی فوق توسط دو جناح رقیب در دستگاه حاکمه ایران اداره میشوند.

● صفائی رئیس مرکز آموزش و پژوهش سازمان صنایع ملی ایران گفت ۵۰ تا ۶۰٪ از کارگران اکثر واحدهای صنعتی را افراد بیسواد تشکیل میدهند.

x در جلسه ۱۸ شهریور ماه مجلس ارتجاع طرح تجدید مهلت تعدیه بدهی کشاورزان از بابت قوانین اصلاحات ارضی به تصویب رسید.

● هفته نامه آبزور گزارش داد که در اوائل شهریور ماه ملاقات مخفیانه‌ای بین نمایندگان جمهوری



● در تهران روغن نباتی شدیداً کمیاب گشته و از آنجا که روغن نباتی ای که از سوی دولت به صورت کوپنی تعیین گردیده است کم بوده و در اکثر مواقع نیز به دست زحمتکشان نمیرسد، مردم مجبورند که روغن را به قیمت سرسام آور در بازار سیاه تهیه نمایند.

● رژیم به رانندگان کامیون اعلام کرده هر راننده‌ای باید با ماشین خود بمدت یکماه برای کمک به جبهه‌ها به مناطق جنگی رفت و آمد نماید و اگر چنانچه راننده‌ای از این کار خودداری ورزد، رژیم ماشین او را گرفته و آن را به مناطق جنگی میفرستد.

● به بهانه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر، حفاظت و کنترل ۴۰۰ کیلومتر از مرزهای جنوب شرقی کشور به کمیته‌های اسلامی واگذار گردید.

● در نیمه دوم شهریور ماه دو ایرانی که از ایران فرار کرده و

● جمهوری اسلامی بمنظور کشتادن اجباری مردم به نماز جمعه تهران و تشییع جنازه مسئولینی که در جبهه‌ها کشته شده اند به شگرد جدیدی متوسل گردیده و مزدوران رژیم در ادارات دولتی از مراجعین سوال میکنند که آیا در نماز جمعه شرکت میکنی؟ آیا به تشییع جنازه کشته شدگان جنگ میروی؟ و اگر کسی به این سوالات پاسخ منفی بدهد، مزدوران رژیم در کارش اختلال کرده و مدتها او را سرמידوانند. این امر بویژه در ادارات آب و برق شدت بیشتری دارد.

● تعداد زیادی از سربازانی که بوسیله نیروهای سرکوبگر رژیم دستگیر شده و به پادگان خمینی در نزدیکی پارک لاله تهران منتقل گردیده بودند دوباره اقدام به فرار کردند. تعداد سربازان فراری از این پادگان ۱۵۸ نفر بوده که ۸ تن از آنان اهل شهرستان بانه میباشند.

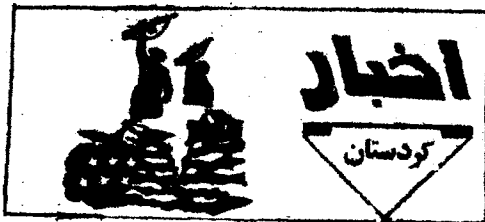


ارکان چریکهای فدائی خلق ایران

منعقد نموده‌اند در ضمن جمهوری اسلامی با ویتنام نیز یک قرارداد تسلیحاتی ۴۰۰ میلیون دلاری بسته است.

● جمهوری اسلامی قصد دارد با همکاری ولیدجن بلاط خط هوایی ای بین تهران و بیروت ایجاد نماید. تا بهتر بتواند سیاستهای امپریالیسم در لبنان را پیش ببرد.

● براساس گزارش خبرگزاریها بدنبال حضور وسیع ناوگان دریایی آمریکا در خلیج فارس سه مین روب نیروی دریایی فرانسه نیز در خلیج فارس آغاز بکار کرد و بریتانیا نیز ناوهای به خلیج اعزام نموده است. در ضمن هلند و بلژیک و ایتالیا نیز بزودی مین روبهایی به خلیج فارس اعزام خواهند نمود.



پیرانشهر

● - جمهوری اسلامی در اواسط شهریور ماه با اعزام اکیپهای ۵۰ تا ۱۰۰ نفره از تکاوران نرده به روستاهای منطقه پیرانشهر از جمله روستاهای کانی اشکوت، ناوخورده، بیکوس کوپر، کیریاسک، کپراحمند، روستائیان را تحت فشار قرار

سازمان ملل در رابطه با ضرورت قطع جنگ ایران و عراق دبیرکل سازمان ملل به تهران و بغداد سفر نمود تا درباره ایمن قطعنامه مذاکره نماید. جمهوری اسلامی از پذیرش این قطعنامه عملاً خودداری نموده و مذاکرات دبیر کل سازمان ملل نیز به نتیجه‌ای نرسید ● در شرایطی که دستمزد کارگران کفاف زندگی آنها را نمیکند. رژیم به بهانه هدیه به "کفر ستیزان اسلام" مبلغ ۲/۵ میلیون ریال از دستمزد کارگران کارخانه ایرانی را چپاول نمود.

● با فرارسیدن ماه محرم رژیم مزدور میادرت به ایساد کاروانهایی بنام حماسه‌سازان عاشورا برای گسیل به جبهه‌های جنگ ایران و عراق نمود.

● جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد: سلسله پیمائیهایی بطور مداوم بین جمهوری اسلامی و آمریکا جریان دارد، ولی این کار توسط جانب سوم بعمل می‌آید و آمریکا در حال حاضر قصد ندارد به تماس مستقیم با جمهوری اسلامی دست بزند.

● مجلس ارتجاع در ۲۳ شهریور ماه باردیگر لایحه‌ای را تصویب نمود که براساس آن دولت مجاز است با زهم یک میلیون تن نفت مجانی در اختیار رژیم مزدور سوریه قرار دهد.

● براساس گزارش خبرگزاریها چین و جمهوری اسلامی یک قرارداد یک میلیارد و شصت میلیون دلاری تسلیحاتی

اسلامی و آمریکا در سوئیس انجام شده است که از سوی ایران محسن رفسنجانی پسر هاشمی رفسنجانی و از سوی آمریکا مشاوران وزیر خارجه و معاون ریگان حضور داشته‌اند.

● نشریه آیزرور چاپ لندن گزارش داد که یک هیئت ایرانی به سرپرستی احمد خمینی ماه گذشته در اروپا با نمایندگان وزارت دفاع اسرائیل ملاقات و گفتگو داشته است. در این مذاکرات مسئله کمکهای نظامی اسرائیل به جمهوری اسلامی و افزایش امکانات مهاجرت ۲۵۰۰۰ نفر از یهودیان ایران مورد بحث قرار گرفته است.

● رفسنجانی در نماز جمعه ۳۰ مرداد ماه گفت: همین چند روز پیش یک کشتی ما با مین برخورد کرد و آسیب دید، البته کشتی آمریکایی بود ولی نفت ما را میبرد.

● هواپیماهای عراقی در ۱۹ شهریور ماه شهرهای کرمانشاه، دورود، شاه‌آباد غرب، کردند را مورد حمله هوایی قرار دادند و جمهوری اسلامی نیز شهرهای بصره، سلیمانیه، قلعه دیسه، عماره را توپ باران نمود. در جریان این بمبارانها و توپ بارانهای وحشیانه عده‌ای از مردم دو کشور بار دیگر قربانی جنگ امپریالیستی ایران و عراق گردیدند.

● در پی تصویب قطعنامه ۵۹۸

داده تا به پیشمرگان خلق کرد کمک نمایند .

● - رژیم برای تحت کنترل در آوردن هر چه بیشتر کردستان هر روز بر تعداد پایگاههای خود میافزاید. برای نمونه اخیراً رژیم در اطراف پایگاه "خریاب" واقع در منطقه پیرانشهر مبادرت به ایجاد دو پایگاه جدید نموده است .

● - رژیم اخیراً عده‌ای از خانواده های پیشمرگان خلق کرد را برای تحویل فرزندانشان پیشمرگشان تحت فشار قرار داده و چون با مقاومت آنها مواجه گردید، آنها را به شهرهای مختلف از جمله اصفهان تبعید نمود . در ضمن رژیم در شهر مهاباد عده‌ای از خانواده‌ها را به جرم کمک به فرزندانشان به ۸ الی ۱۵ سال زندان محکوم کرده است .

● رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در ۲۴ و ۲۵ مردادماه در زه‌ویان و زیوه کل در منطقه پیرانشهر را توپ و خمپاره باران نمود که خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید. مزدوران رژیم در رابطه با توپ باران این دو دره به اهالی منطقه گفته‌اند : چون آنجا محل تردد پیشمرگان است و مردم هم به پیشمرگان کمک میکنند، ما آنجا را توپ باران میکنیم تا اهالی، منطقه را تخلیه نمایند.

● بمنظور مجبور کردن اهالی به تخلیه بازار "تاتی دول" در منطقه پیرانشهر، در ۲۵ مردادماه جمهوری اسلامی مبادرت به توپ باران این بازار نمود که به کسی آسیبی نرسید.

سردشت

● در اواخر مرداد ماه مزدوران مستقر در پایگاه روستای میونه از توابع شهرک ربط سردشت بسوی نیروهای تامین جاده رژیم تیراندازی کردند که در اثر آن یکی از مزدوران تامین جاده کشته و یک نفر بشدت مجروح گردید .

مزدوران رژیم در این پایگاه در وحشت از یورش پیشمرگان خلق کرد همه روزه از ساعت ۱۵ الی ۱۲ ظهر مناطق نزدیک روستا را خمپاره باران مینمایند، که چندی پیش بر اثر این عمل جنایتکارانه یک زن و مرد روستای فوق به شهادت رسیدند .

● رژیم در سردشت به نانوایشهای شهر اعلام کرده که حق فروش بیشتر از ۲ کیلو نان به هر خانواده را ندارند . و از نانوایشها خواسته شده که ۱/۳ از سهم نان خود را در اختیار ارگانهای سرکوب قرار دهند .

در رابطه با کمیود نان در شهر سردشت، کبابی های شهر به عنوان اعتراض به شهرداری

مراجعه کرده و خواهان رسیدگی به این امر شدند، ولی شهردار سردشت در جواب خواست آنان میگوید : نان نیست، ما هم کاری نمیتوانیم بکنیم، اگر میخواهید کبابی های خود را تعطیل کنید .

● چندی پیش مزدوران خود فروخته‌ای که در روستای دارساون مستقر بودند به روستای شموله میروند . پایگاههای سرکوبگر رژیم در اطراف روستای شموله به تصور اینکه این افراد پیشمرگان خلق کرد هستند، منطقه را زیر آتش میگیرند که منجر به کشته شدن یکی از دختران اهل روستای شموله میگردد .

● - روستائیان زحمتکش روستاهای تیت پائین و مزن ثاوه در منطقه آلان سردشت که به علت توپ باران منطقه مجبور به ترک روستاهای خود شده بودند ، قصد بازگشت به خانه و کاشانه خود را داشتند که با واکنش وحشیانه رژیم مواجه میگرددند. مزدوران جمهوری اسلامی ۱۵ خانه از این دو روستا را آتش زده و خسارات سنگینی به روستائیان وارد میسازند تا از بازگشت آنها جلوگیری نمایند .

● در اوائل شهریورماه بفاصله ۵ روز حدود ۸۴ تن از جوانان ناحیه خرخره سقز که بالاجبار به خدمت سربازی برده شده بودند

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی میجنگد

دهند که با اعتراض و مقاومت روستائیان مواجه شدند. در طی این جریان درگیری ای بیست و نه زن روستا و مزدوران رژیم بوجود می آید و در نتیجه اهالی از پشت بلندگو مسجد اعلام کردند که حاضر به برداشتن اسلحه و دادن نگیبانی اجباری نیستند.



● در اواخر مرداد ماه ۲۵ تن از آوارگان ایرانی که از ترکیه به وین پایتخت اتریش پرواز کرده بودند بوسیله پلیس جنایتکار اتریش به ترکیه بازگردانده شدند و دولت ضد خلقی ترکیه نیز این عده را تحویل جمهوری اسلامی داد. تاکنون صدها ایرانی که از شرایط وحشتناک حاکم بر ایران فرار نموده اند بوسیله رژیم مزدور ترکیه به جمهوری اسلامی تحویل داده شده اند.

x - دولت ترکیه اعلام نمود که ۹۴ تن از نیروهای جمهوری اسلامی را در خاک خود دستگیر نموده است. مقامات ترکیه گفتند که افراد دستگیر شده پاسداران جمهوری اسلامی و

جبهه های مرگ و نیستی نمودند. زنان مبارز محله در اعتراض به این امر با مزدوران جمهوری اسلامی درگیر شده و دستگیرشدگان را آزاد مینمایند.

● در تاریخ ۹ شهریورماه مزدوران رژیم (جاش و پاسدار) به روستاهای محمود آباد و بوقده کندی بوکان رفته و روستائیان را بشدت مورد اذیت و آزار قرار میدهند که در نتیجه یکی از زنان بوقده کندی بشدت مجروح شده و درحالت اغماض به بیمارستان منتقل میشود.

● رئیس آگاهی شهر سنندج در پاسخ به فردی که خواهان دستگیری سارقین اموالش شده بود گفت: من چه کار میتوانم بکنم، اگر دزد را هم پیدا کنم، او میگوید مرا بکشید، من گرسنه ام و بخاطر همین هم دزدی کرده ام.

x در اوائل شهریور رژیم با زور ۴۵ نفر از اهالی روستای توری ور در بخش چم شارسندج را مسلح کرده و برای دادن نگیبانی به روستاهای دیگر منطقه میبرد که هر ۴۵ نفر فرار کرده و پس از بازگشت به روستای خود ۳۹ نفر از آنها اسلحه رژیم را پس میدهند.

● چندی پیش مزدوران خود فروخته رژیم به روستای کلیان در بخش چمشار سنندج رفتند و با اعمال زور و فشار از مردم خواستند، اسلحه رژیم را برداشته و در روستا نگیبانی

موفق به فرار از پادگان عجب شیر گردیدند.

● ۱۵۰۰ نفر از سربازان پادگان عجب شیر که از شهرهای سلماس، بوکان، مهاباد، سقز، دیواندره دستگیر و برای آموزش اولیه به این پادگان منتقل شده بودند در شهریور ماه موفق فرار از این پادگان گردیدند.

● رژیم در مریوان و روستاهای اطراف آن به دستگیری عده ای از خانواده های پیشمرگان پرداخته و اموال آنها را نیز غارت کرده است. همچنین مزدوران رژیم کوپن خواربار این خانواده های مبارز را قطع نموده اند.

● - مزدوران جمهوری اسلامی در تاریخ هفتم شهریور با یورش به روستای بژی، بانه قصد دستگیری جوانان برای اعزام به سربازی را داشتند، که جوانان روستا متوجه شده و به کوههای اطراف فرار مینمایند. مزدوران به طرف جوانان تیراندازی میکنند که باعث خشم روستائیان و درگیری آنها با مزدوران میگردد. بر اثر این درگیری مزدوران مجبور به عقب نشینی میگردند.

سنندج

● در اول شهریور ماه مزدوران رژیم در محله آقا جان شهر سنندج اقدام به دستگیری تعدادی از جوانان محله برای اعزام به

تعدادی از نیروهای قبیله‌ساده موقت بوده‌اند. این عسده قصد خرابکاری در منطقه را داشته‌اند. اما دولت ترکیه به بهانه اینکه آنها اشتباه‌ها وارد خاک ترکیه شده‌اند آنها را به رژیم جمهوری اسلامی تحویل داد.

● پس از جریان مکه که باعث تیره شدن روابط عربستان با جمهوری اسلامی گردید، وزیر داخله عربستان فاش ساخت که حکومت ایران چندی پیش قصد داشت یکی از شهرهای عربستان را مورد حمله قرار دهد که یکی از هواپیماهای ایرانی بوسیله پدافند عربستان سرنگون گشته و بقیه نیز فرار نموده‌اند.

● به گزارش خبرگزاری فرانسه یک مقام بلند پایه عربستان ضمن حمله شدید به جمهوری اسلامی خواستار اجازه خروج دیپلماتهای عربستان که هنوز در ایران بسر می‌برند شد و گفت در غیر اینصورت دیپلماتهای جمهوری اسلامی در ریاض سرنوشت مشابهی خواهند داشت.

● بیمه لویدز لندن اعلام کرد که ۵۰٪ نرخ بیمه خود در خلیج فارس را افزایش داده است. شرکت بیمه لویدز برای این افزایش استدلال نموده است که از ۱۹۸۰ تا کنون یک میلیارد لیره استرلینگ خرج زیانهای وارده به کشتیهایی که در خلیج فارس آسیب دیده‌اند کرده است. شرکت

بیمه لویدز دیگر نمیگوید که در این فاصله از بابت حق بیمه‌های دریافتی چقدر درآمد داشته است و یا در این فاصله چند بار حق بیمه را افزایش داده است.

x - به گزارش خبرگزاریها مجاهدین افغان ۷۵۰ موشک استینگر از امریکا تحویل گرفتند. چندی پیش فاش شده بود که امریکا از طریق مجاهدین افغان و در حضور مامورین CIA تعدادی موشک استینگر به جمهوری اسلامی تحویل داده است. ● در ایتالیا فاش گردید که شرکت برکنیا واقع در شمال این کشور که سازنده بمب و مین میباشد تعداد ۳۰ هزار مین از طریق سوریه به ایران ارسال نموده و سفارش ۲ میلیون مین دیگر را نیز از مقامات جمهوری اسلامی دریافت نموده است. نیمی از سهام شرکت فوق منطبق به کارخانجات فیات میباشد.

● اخیرا در وین مدیر کارخانه اسلحه سازی پست، صدراعظم سابق و وزیر کشور سابق اطریش را متهم کرده که از ارسال سلاح به ایران اطلاع داشته‌اند. روزنامه کژی پر مینویسد مرگ غیرطبیعی چند تن در اطریش بی ارتباط با جنجال ارسال اسلحه به ایران نبوده است.

● به حسن صبرا مدیر هفت نامه لبنانی سوء قصد شد که روزنامه‌های بیروت این عمل را به جمهوری اسلامی نسبت داده‌اند.

● نماینده امریکا در سازمان

ملل اعلام نمود که واشنگتن حتی در صورتیکه فردا در خلیج فارس صلح برقرار شود، ناوهای خود را از خلیج خارج نخواهد کرد.

● بر اساس گزارش بانک جهانی قیمت مواد خام نسبت به سال ۱۹۸۰ ۲۵٪ کاهش یافته است.

● خبرگزاری کویت اعلام کرد رژیم ایران از شبه جزیره فاوموشکی از نوع کرم ابریشم را بسوی سواحل جنوبی کویت پرتاب کرده که خساراتی بارنیاورده است.

● هزاران نفر از اهالی سان سالوادور پایتخت السالوادور علیه سیاستهای رژیم جنایتکار حاکم بر این کشور دست به تظاهرات زدند و برضد نفوذ سرمایه‌های خارجی، بالا بودن مالیاتها و گرانی روزافزون هزینه زندگی شعار دادند.

● کارگران و کارکنان حمل و نقل در فیلیپین دست به یک اعتصاب سراسری زدند. این اعتصاب باعث فلج شدن رفت و آمد در مانیل و سایر مراکز ایالتی شد. اعتصابیون خواستار کاهش قیمت سوخت گردیدند. این اولین اعتصاب بزرگ از زمان روی کار آمدن آکینو در این کشور میباشد. پلیس مزدور فیلیپین ۷۰ نفر از کارگران اعتصابی را دستگیر نمود.

● دربی اعتصاب کارکنان راه آهن در کانادا، حمل و نقل راه آهن در تمامی این کشور فلج گردید.

نمود.

● در سودان پلیس به تظاهرات دانش آموزان در شهر توپرانس حمله نمود که ۱۴ دانش آموز کشته و مجروح گردیدند. مشابه این تظاهرات در خارطوم و چند شهر دیگر روی داد که دولت سودان برای مقابله با او جگیری این جنبش مدارس کشور را برای مدت نامعلومی، تعطیل نمود.

● در ۶ شهریور ماه در بیروت تظاهراتی بر علیه گرانی و کمبود ارزاق عمومی روی داد که تظاهر کنندگان فریاد میزدند "ما گرسنه هستیم" در جریان تظاهراتی که اخیرا در بیروت روی داده است مردم فریاد میزدند "مانسان می خواهیم"، "کودکان ما شیر می خواهند"

● برزیل که بزرگترین بدهکار بانکهای امپریالیستی در امریکای جنوبی است، مجبور است ۵۶٪ درآمدهای صادراتی خود را تنها بابت سود بدهیهایش پرداخت نماید.

● نشریه تایمز گزارش داد که: هزینه عملیات امریکا برای مراقبت از کشتی های درخلیج فارس به روزی یک میلیون دلار رسیده است. اخیرا دولت امریکا تصمیم گرفته است که بودجه نگهداری نیروی نظامی خود درخلیج فارس را به روزی ۲ میلیون دلار برساند.

● براساس گزارش وزارت دفاع انگلیس این کشور در سال گذشته قراردادهای فروش تسلیحاتش

اتهام مهاجمان چيگرا محاکمه نمود.

● کارگران کارخانه کشتی سازی اولسان در کره جنوبی بخاطر افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار دست به اعتصاب زدند.

● ده هزار کارگر کارخانه اتومبیل سازی کرایسلر در کانادا دست به اعتصاب زدند. آنها خواهان بهبود شرایط کار میباشند.

● دانشجویان مبارز شیلی در جریان تظاهراتی که بر علیه پینوشه دیکتاتور شیلی سازمان دادند در تاریخ ۱۱ و ۱۲ شهریور ماه اقدام به اشغال دانشگاه سانتیاگو نمودند، پلیس مزدور شیلی به آنها حمله کرده و ضمن زخمی کردن ۶۱ نفر را دستگیر نمود.

● اعتصاب استادان و آموزگاران دانشگاهها و مدارس متوسطه هندوستان وارد دومین ماه خود شد. این اعتصاب بخاطر افزایش دستمزدها جهت مقابله با هزینه های رو به رشد زندگی صورت گرفته است. دانشجویان و دانش آموزان هندوستان نیز با اعتصاب استادان و آموزگاران اعلام همبستگی کردند.

● دانشجویان در رانگون پایتخت برمه در ۱۵ شهریور ماه در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه رژیم برمه دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بزرگترین تظاهرات از سال ۱۹۷۴ تا کنون بوده است، رژیم برمه کلیه مدارس و دانشگاه های کشور را تعطیل

اعتصابیون از دوم شهریور ماه دست از کار کشیده و خواهان افزایش دستمزدها و همچنین جلوگیری از اخراج کارگران گردیدند.

● بر اثر یورش پلیس ضد خلقی افریقای جنوبی به کارگران اعصابی در پانزدهمین روز اعتصاب کارگران معادن ۶ کارگر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند. در ضمن سرمایه داران زانو صفت این کشور هزاران کارگر مبارز معادن ذغال سنگ و طلا را که بیش از دو هفته از اعتصاب آنها میگذشت را اخراج کردند. شرکت آنگلو امریکن که بزرگترین شرکت تولید ذغال سنگ در افریقای جنوبی است اعلام نمود تاکنون ده هزار کارگر را اخراج نموده و ۳۰ هزار کارگر دیگر در صورتیکه بر سر کار حاضر نشوند اخراج خواهند شد.

● رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی ۲ نفر از مبارزین سیاه پوست را به جرم مبارزه بر علیه تبعیض نژادی و ظلم و ستم موجود در آن کشور حلق آویز نمود.

● اعتصابات گسترده کارگران کره جنوبی فعالیت ۶۰۰ شرکت و موسسه را فلج نمود. کارگران خواستار سرنگونی رژیم چون دوهوان، قطع سلطه امپریالیسم امریکایی و همچنین بهبود شرایط زیست و معیشت خود شده اند. دادگاه رژیم ضد خلقی کره جنوبی ۱۳۰ تن از کارگران مبارز که در جریان این اعتصابات دستگیر شده اند را به

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

به ارزش ۸/۶ میلیارد دلار رسیده است. انگلیس ۱۶٪ کل فروش اسلحه در جهان را به خود اختصاص داده است.

● نشریه شیکاگو تریبیون در اول جولای ۸۷ در رابطه با نیروی دریائی آمریکا در خلیج فارس نوشت: نیروی دریائی آمریکا در خلیج فارس عبارت است از: "یک کشتی فرماندهی - یک رزمناو، ۳ ناوشکن - ۲ فری گیت - که یک نوع کشتی جنگی آمریکائی است و حدود ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ تن وزن دارد و چیزی بین رزمناو و ناوشکن است - و ناو استارک. قرار است یک رزمناو، یک ناوشکن و یک فری گیت دیگر تا اواخر ماه وارد خلیج فارس شوند. علاوه بر اینها تا اواخر ماه ژوئن در خارج

خلیج فارس نیز نیروهای چوون ناو میسوری و ناوهای هواپیما بر با اضافه گروههای جنگی دیگر مستقر خواهند گردید."

شیکاگو تریبیون سپس بنقل از مرکز اطلاعاتی امریکا درباره مشخصات و وظایف هر کدام از کشتیها یاد شده چنین مینویسد:

۱- کشتی فرماندهی هدف: فرماندهی و برقراری روابط

مهمات اصلی: دو توپ ۴۰ میلیمتری
پرسنل: ۴۴۰ نفر

۲- رزمناو هدف: محافظت از گروههای جنگی

مهمات اصلی: ۸ موشک انداز مادیون، ۶۰ موشک انداز سام سیستم تسلیحاتی فلانکس
پرسنل: ۵۱۳ نفر

۳- ناوشکن هدف: محافظت از

گروههای جنگی
مهمات اصلی: ۸ موشک انداز هارپون، ۵۲ موشک انداز سام، سیستم تسلیحاتی فلانکس

پرسنل: ۳۴۶ نفر

۴- فری گیت هدف: محافظت از کشتیهای تجاری، حمایت از کشتیهای لجستیکی در حال رفت و آمد، حمایت از نیروی دریائی و زمینی

مهمات اصلی: ۳۶ موشک انداز سام، ۴ موشک انداز هارپون سیستم تسلیحاتی فلانکس

۵- ناو هواپیما بر هدف: تهیه قدرت جنگی هوایی، حمله به ناوهای هواپیما بر

مهمات اصلی: ۸۵ هواپیمای جنگی، موشکهای مرغ دریائی ناتو پرسنل: ۵۵۰۰

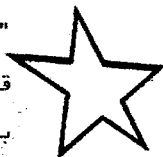


بمناسبت یادگرمین سالگرد
مرگ ما نوتسه دون رهبر کبیرا انقلاب چین
و آموزگار بزرگ پرولتاریای
جهان

روزشمار
شهریورماه

- ۶/۲ - نبرد استالینگراد
(۱۹۴۲)
- ۶/۳ - قیام مردم سایگون
(۱۹۴۵)
- ۵۸/۶/۱۱ - قتل عام اهالی روستای
قارنا در کردستان
- ۶/۱۱ - آغاز جنگ جهانی
دوم (۱۹۳۹)
- ۶/۱۱ - اعلام جمهوری دمکراتیک
ویتنام شمالی (۱۹۴۵)
- ۶/۱۲ - درگذشت هوشی مین
(۱۹۷۵)
- ۱۳۲۰/۶/۱۲ - تشکیل فرقه
دمکرات آذربایجان
- ۶/۱۳ - پیروزی سالوادور آلنده
در شیلی (۱۹۷۰)
- ۱۳۴۷/۶/۱۶ - شهادت معلم انقلابی
رفیق صمد بهرنگی
- ۵۷/۶/۱۷ - کشتار مردم تهران
(جمعه خونین) و اعلام حکومت
نظامی در ۱۱ شهر ایران
- ۶/۱۸ - درگذشت مائوتسه دون
(۱۹۷۶)
- ۶/۲۰ - کودتای آمریکایی
علیه آلنده (۱۹۷۳)
- ۶/۲۶ - قتل عام فلسطینیان
در اردن (سیتا مبرسیاه) (۱۹۷۰)
- ۶/۲۶ - قتل عام فلسطینیان
در صرا و شتیلا (۱۹۸۲)

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(مائوتسه دون)



شهدای شهریورماه

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:

۵۰/۶/۱۵	امیر نماری رادگان	۶۰/۶/۲۰	سیروس سپهری
۵۲/۶/۲	رضا خالصی	۶۰/۶/۲۷	ایرج سپهری
۵۳/۶/۷	ماهرخ یوسفی	۶۰/۶/۲۷	اعظم روحی آهنگران
۵۳/۶/۱۴	غلامشاه (جواد) ضمیری	۶۰/۶/۲۷	عباس کابلی
۵۵/۶/۱۲	محمود اسرافیلی	۶۰/۶/۲۸	پرویز داوری
۵۵/۶/۸	علیرضا تراقچی	۶۰/۶/۲۸	حسن سعادت
۵۶/۶/۶	نصرالله احمدشاهی	۶۰/۶/۲۹	هاشم باباعلی
۵۶/۶/۱۲	شهرام شفیعیان	۶۱/۶/۱	غلامحسین بیگی
۵۹/۶/۱۸	امیر معصوم علیشاهی	۶۱/۶/۲	رضا بهفر
۵۹/۶/۲۳	محمود خاموشیان	۶۱/۶/۲	بهزاد یوسفی (کاکصمد)
۶۰/۶/۲	شهناز رونابی	۶۱/۶/۲	لطف الله کیوانی فر
۶۰/۶/۶	احمد کریمی	۶۱/۶/۲	سعید اسماعیل پور موسوی
۶۰/۶/۶	نصرت کریمی	۶۱/۶/۲	مانی خداوردی
۶۰/۶/۸	محمد یوسف پوری	۶۱/۶/۶	عباس کاتوزیان
۶۰/۶/۱۱	صدیق دیده رو	۶۱/۶/۲۹	سید مرتضی میررضایی
۶۰/۶/۱۲	عبدالله وارشکی	۶۰/۶/۳۱	محمد چشم براه
۶۰/۶/۱۶			فریده شمشیری
۶۰/۶/۱۷			علیرضا پناهی
۶۰/۶/۱۹			بهروز شاهین
۶۰/۶/۱۹			حبیب صادقی



هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق



گرامی یاد یاد معلم انقلابی
رفیق صمد بهرنگی

"یکاش مسلسل پشت شیشه
مال من بود....."

درباره اعتصاب ۳۰۰۰۰ کارگر رزمنده معادن افریقای جنوبی

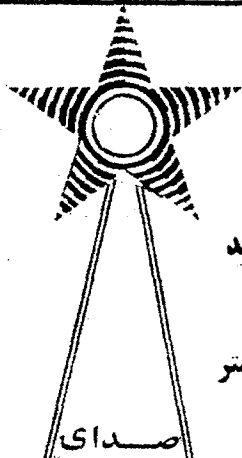
از اواسط مرداد ماه که حدود ۳۰۰۰۰۰ کارگر مبارز معادن افریقای جنوبی در حدود ۵۰ معدن طلا و ذغال سنگ در اعتراض به شرایط سخت کار و معیشت خود و برای بهبود شرایط کار و افزایش ۳۰٪ به دستمزدهایشان در اعتصاب بسر میبردند، بورژوازی ددمنش افریقای جنوبی در مقابله با کارگران و برای سرکوب اعتصاب بر حق آنها از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است.

پلیس مزدور این کشور ضمن حمله به دفاتر اتحادیه های کارگری که این اعتصاب را سازمان داده اند به ضرب و شتم کارگران و دستگیری آنها پرداخته ضمن کشته و مجروح نمودن عده ای از کارگران و دستگیری عده دیگری کوشیده است تا اراده کارگران برای تداوم مبارزه شان را تضعیف نموده و این مبارزه را به شکست بکشاند.

در صفحه ۱۲

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدایی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید



صدای
چریکهای فدایی خلق ایران

ساعات پخش
۹ شب و
۶،۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
امواج کوتاه
ردیف های ۴۱ و ۷۵ متر

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

فرانسه	انگلستان
F.S	
B.P-181	BM BOX 5051
75623 PARIS	LONDON
CEDEX 13	WCIN 3XX
FRANCE	ENGLAND

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!